

## The Collapse of Fair Criminal Procedure in Confrontation with Political and Social Crises

**Hadi Rostami\***

Associate Professor, Department of Law, Faculty of  
Humanities, Bu-Ali Sina University, Hamadan, Iran.

### Abstract

The criminal procedural may be exposed to the state of collapse by security-oriented policies resulting in suspense of the usual formalities of criminal proceedings and replacing them with emergency-oriented mechanisms. The collapse is due to the emergency of the country's political situation and social chaos, which is caused by the protests of a number of citizens against some policies. One of the most important factors of inception of such movement is the expansion of criminal law and maximum interference in people's freedoms and maintenance of political ideology. The Gap between the official norms and accepted values by citizens and insistence of the government to retain the norms via criminal protection of them gradually leads to social crises and civil disobedience. Conservatism, retrogression, standing against social and cultural changes, maintaining the status quo, refraining from fundamental reforms in political and social structures, have no result other than "crisis" and inevitably puts the citizens or a large part of them against the government. One simple solution to quell crisis is to declare the state of emergency and expand powers of the security forces and judicial authorities to arrest, prosecute and adjudicate the cases of protestors rapidly and secretly. The networks of control and supervision on citizens and the power and freedom of action of the police in this situation will be expanded and the logic of confrontation and repression are applied at high level. Due to the crowding of criminal cases in the judicial system as a result of these policies the rules of proceedings and some defense rights are ignored, including the right to have lawyer or the right to public trial, and prompt measures are taken into account due to the government's need to deal quickly and decisively. In such circumstances the guiding principles, especially the presumption and the principle of neutrality, and the government justifies its actions by claiming to maintain order and security of citizens. Summoning and arresting political dissidents without complying with legal frameworks and creating restrictions in cyberspace through filtering social networks and preventing the free flow

\* Corresponding Author: h.rostami@basu.ac.ir

**How to Cite:** Rostami, H. (2023). The Collapse of Fair Criminal Procedure in Confrontation with Political and Social Crises. *Journal of Criminal Law Research*, 11(43), 67-103. doi: 10.22054/jclr.2023.73744.2585.


of information are part of the strategies to deal with the crisis. When the political and social conditions are in an emergency, the fair criminal procedure inevitably collapses, and "extraordinary criminal procedure" prevails, which does not pay attention to the conventional and well-known rules of procedure and is often the product of the will of the political authorities and are dictated in the form of "judicial circulars". Thus, circulars have priority over the law. In this approach, the presumption of guilt is used instead of the principle of innocence, and the accused is treated as a criminal or a convict.

The collapse of fair procedures is caused by factors that are mainly related to public strategies and macro policies. Incorrect policies or making wrong decisions regarding some social events and phenomena, legislation without paying attention to the basic needs of the people and ignorance of the political dissidents inevitably aggregate protests and social uprisings. Criminal policies based on arbitrary and baseless criminalization and merely based upon defending and protecting ideology, expanding criminal laws and maximum interference in people's freedoms, as well as the lack of transparency in statutes have unpleasant consequences in long term, and provide confrontation between citizens and policy makers.

The substantive and procedural rules on security in the Iranian criminal law indicate that criminal policy makers have ignored some fundamental rights such as the right to choose a lawyer. In addition, following the expansion of the jurisdiction of special courts, which sometimes originates from circular, as well as the increase of the powers of judicial authorities and military forces, they have provided a legal basis for threatening the rights of individuals and the collapse of fair procedures. Holding secret and non-public trials and preventing the communication of court's decisions are part of these challenges. Adjusting the criminalization and decriminalization of acts that are contrary to the values of citizens or a significant part of them, reforming public policies and avoiding criminal actions that create tension, and saving the criminal justice system from criminal inflation, and most importantly, paying attention to the phenomenon of "generational change" and normative gaps and ideology might be some solutions to prevent the collapse of fair criminal procedure. The Recognition of protests, changing policies and decriminalizing behaviors that have only an ideological aspect, removal of rights-threatening processes, accountability and prescribing discourse instead of criminal threats can prevent the criminal process from collapse.

**Keywords:** Political Crisis, Social Crisis, Fair Trial, Criminal Inflation, Security-orientation, Criminal Policy.

## فروپاشی آیین دادرسی کیفری منصفانه در رویارویی با بحران‌های سیاسی و اجتماعی

هادی رستمی\*  دانشیار گروه حقوق، دانشکده‌ی علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

### چکیده

فرآیند دادرسی کیفری ممکن است تحت تأثیر سیاست‌گذاری‌های امنیت‌گرایانه در حالت فروپاشی قرار گیرد که نتیجه آن، تعلیق تشریفات معمول و منصفانه رسیدگی به جرم و توسل به سازوکارهای فوریت‌مدار است. فروپاشی ثمره اضطراری شدن وضع سیاسی کشور است که خود ناشی از خیزش‌ها و مقاومت‌های شهروندان یا دست‌کم بخشی از آن‌ها در قبال بعضی سیاست‌ها می‌باشد. از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری این جریان، گسترش حقوق کیفری و مداخله حداکثری در آزادی‌های اشخاص است. ایجاد شکاف میان هنجارهای رسمی و ارزش‌های شهروندان و پافشاری حاکمیت به حفظ هنجارها به تدریج به بحران‌های اجتماعی دامن می‌زند. یکی از راهکارهای فرونشاندن بحران، اعلام حالت فوق‌العاده در کشور و بازداشت معترضان و محاکمه سریع و غیرعلنی آن‌ها است. شبکه‌های کنترل و نظارت بر شهروندان و نیز قدرت و آزادی عمل پلیس در این شرایط، گسترش یافته و منطق برخورد و سرکوب در سطح بالایی مورد توجه قرار می‌گیرد. تعدیل جرم‌انگاری و جرم‌زدایی از رفتارهایی که با ارزش‌های بیشتر شهروندان مغایرت دارد، اصلاح سیاست‌های عمومی و اجتناب از اقدامات کیفری تنش‌آفرین و نجات دستگاه عدالت کیفری از استغراق کیفری و مهم‌تر از همه، توجه به مقوله «تغییر نسل» و شکاف‌های هنجاری و ایدئولوژی، می‌تواند برخی از راهکارها برای جلوگیری از فروپاشی آیین دادرسی کیفری منصفانه باشد.

**واژگان کلیدی:** بحران سیاسی، بحران اجتماعی، دادرسی منصفانه، تورم کیفری، امنیت‌گرایی، سیاست جنایی

## مقدمه

آیین دادرسی کیفری، در میان شاخه‌های علوم جنایی، مهم‌ترین و حیاتی‌ترین مقررات را پوشش می‌دهد. فرآیندها و تشریفات دادرسی کیفری که از یک سو، به منظور تعقیب جرایم، تحقیق از متهمان، محاکمه و اجرای احکام وضع می‌شوند و از سوی دیگر، تضمین‌هایی برای رعایت حقوق دفاعی متهم، بزه‌دیده و جامعه فراهم می‌کنند، نوعی دادرسی منصفانه را شکل می‌دهند. دادرسی منصفانه مجموعه‌ای از اصول، قواعد، آیین‌ها و سازکارهای تعیین شده است که ترکیب آنها با یکدیگر، بیانگر وجود عدالت شکلی در محاکمات کیفری است. اجرای عدالت نسبت به بزهکاران، در گرو رعایت فرآیندها، تشریفات و تضمین‌های اساسی است و بدون آنها، محاکمات کیفری مشروعیت نداشته و مجازات تعیین شده نیز با عدم پذیرش افکار عمومی همراه می‌شود.<sup>۱</sup> با همین توجیه، نویسندگان پیش‌نویس لایحه‌ی قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) با الهام از مقررات بین‌المللی، افزون بر تصریح به «اصول دادرسی منصفانه» در عنوان فصل اول از باب اول، در ماده‌ی ۲-۱۱۱ نیز بر «منصفانه و عادلانه» بودن دادرسی کیفری تأکید کرده بودند: «دادرسی کیفری باید منصفانه و عادلانه باشد...». در تصویب نهایی، این گزاره از متن قانون حذف و به جای آن، جمله‌ی «دادرسی کیفری باید مستند به قانون باشد»، جایگزین می‌گردد. صرف‌نظر از این تغییر، اصول و الزام‌های دادرسی منصفانه مانند اصل برائت، اصل تساوی سلاح‌ها و اصل قانونی بودن دادرسی در مواد ابتدایی قانون (فصل اول) دست‌نخورده باقی مانده‌اند.<sup>۲</sup>

فرآیند دادرسی کیفری عرصه‌ی تقابل عدالت و آزادی است و از آنجایی که قدرت همواره در معرض سوءاستفاده و تهدید حقوق اشخاص است، قواعد و تشریفات باید به گونه‌ای صورت‌بندی شوند که با مسئولیت‌پذیر کردن قدرت از رهگذر نظارت‌های مستمر و ضمانت‌اجراهای مؤثر و کارآمد، وجود یک دادرسی منصفانه را تضمین کند. در حکومت‌های اقتدارگرا و اقتدارگرایی فراگیر، حفظ قدرت، هنجارها، باورها و ارزش‌های نظام سیاسی در اولویت نخست سیاست‌گذاران قرار دارد و از این رو، بزهکار امنیتی همواره

1. See: Dubber, 2004, Available at: SSRN: <https://ssrn.com>.

۲. برای اطلاع بیشتر، نک: نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۵: ۹۵-۹۴.

به مثابه‌ی دشمن ایدئولوژی توصیف می‌شود.<sup>۱</sup> این رژیم‌ها در عرصه‌ی ماهوی با گسترش جرم‌انگاری‌های بی‌ضابطه و تمرکز بر رفتارهایی که هنجارها و ارزش‌های نظام سیاسی را تهدید می‌کنند یا از آنها فاصله می‌گیرند، به دنبال انقیاد، انسجام و همگون‌سازی اجتماع از طریق ضمانت‌اجراهای کیفری هستند و از منظر شکلی نیز، با افزایش اختیارات ضابطان دادگستری و مقامات قضایی به منظور کنترل، شنود و سلب آزادی از اشخاص، دادرسی کیفری مطلوب نظام را اعمال می‌کنند.<sup>۲</sup>

نظام دادرسی بطور معمول تبلور نظام سیاسی و ایدئولوژی<sup>۳</sup> آن است و قوانین دادرسی نیز بخشی از راهبردها و سیاست‌های عمومی و نوع نگرش سیاست‌گذاران به شهروندان و حقوق آنها را انعکاس می‌دهند و رابطه‌ی تنگاتنگی میان این موارد برقرار است. در یک ساختار دموکراتیک و مردم‌سالار، فرآیند دادرسی کیفری بر پایه‌ی برائت‌محوری، توازن بین حقوق ملت و دولت و آزادی و امنیت سامان‌دهی می‌شود و برعکس، نظام‌های اقتدارگرا، از یک نوع آیین دادرسی کیفری خاص و مجرم‌محور و مبتنی بر اولویت بخشیدن به امنیت در مقابل آزادی حمایت می‌کنند.

با این حال، قطع نظر از ماهیت نظام سیاسی که جهت‌گیری کلی قوانین کیفری را مشخص می‌کنند، آیین دادرسی کیفری ممکن است در حالت «فروپاشی» قرار گیرد و خیزش‌ها و بحران‌های سیاسی و اجتماعی، موجب حذف فرآیندها و تشریفات دادرسی شود. فروپاشی

---

۱. فرضیه‌ی بزهدکار به مثابه‌ی دشمن، در گفتمان پس از یازده سپتامبر ۲۰۰۱ در آمریکا برای مقابله با تروریسم مطرح و توجیه گردید. در این رابطه، نک: صدر توحیدخانه، ۱۳۸۸: ۴۹۷ و بعد.

۲. در رابطه با ویژگی‌های سیاست جنایی در نظام‌های اقتدارگرا و اقتدارگرایی فراگیر، نک: دلماس مارتی، ۱۳۹۸، ۲۲۹ و بعد.

۳. ایدئولوژی‌ها بیانگر مجموعه‌ی کمابیش همبسته‌ای از اندیشه‌ها، برنامه‌ها و فرضیه‌هایی هستند که ارتباطات و مناسبات قدرت سیاسی را پی‌ریزی می‌کنند. ایدئولوژی‌ها که نظام فکری چفت و بستداری ندارند، همواره شرحی از نظم موجود، الگویی از آینده‌ای مطلوب و تصویری از جامعه‌ی خوب عرضه می‌کنند. از این‌رو، در مفهوم وسیع، این دانش‌واژه تمام مکتب‌های سیاسی اعم از لیبرالیسم، سوسیالیسم، مارکسیسم، کمونیسم، فاشیسم و ... را شامل می‌شود، اما لیبرال‌ها که ایدئوتیک بودن لیبرالیسم را به دلیل تعهد عمیق این نظریه به آزادی، رد می‌کنند، ایدئولوژی را صفت نظام‌های عقیدتی آشتی‌ناپذیر، محافظه‌کارانه، تنگ‌نظرانه، انقلابی و طرفدار وضع موجود می‌دانند (نک: هیوود، ۱۴۰۱: ۶۵). در این مقاله، مفهوم اخیر ایدئولوژی مورد نظر است.

که به معنای نادیده گرفتن یا تعلیق مقررات دادرسی منصفانه در شرایط اضطراری است، هرچند با نظام‌های اقتدارگرا رابطه‌ی تنگاتنگی دارد، اما ممکن است که در سایر نظام‌ها نیز پدید آید. برای مثال، با فراگیر شدن اعتراض‌ها و تنش‌های خیابانی علیه قوانین مصوب، برنامه‌ها و سیاست‌های عمومی کشور ممکن است به خشونت متقابل شهروندان و پلیس بیانجامد. رشد آگاهی‌های شهروندان از حقوق خود در پرتو گسترش ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی مجازی و پیدایش حقوق جدید که ثمره‌ی این تحولات است، فشار بر دولت‌ها را افزایش داده است. مقاومت در برابر این نوع مطالبه‌گری‌ها یا ضعف و ناکارآمدی در قبال مدیریت مطالبات مدنی، سبب می‌شود که شهروندان راه‌های دیگری از جمله اعتراض‌های خیابانی را برگزینند. صف‌آرایی حاکمیت در برابر جریان موجود و سرکوب شدید اعتراضات به بهانه‌ی حمایت از نظم عمومی و نادیده گرفتن اصول و قواعد حقوقی در عمل وضعیت فوق‌العاده‌ای را بر کشور حاکم می‌کند که بعضاً ماه‌ها و سال‌ها به طول می‌انجامد. بنابراین، بحران‌ها ثمره‌ی شرایط اجتماعی و سیاسی خاصی هستند که از انکار و نادیده گرفتن شهروندان توسط حاکمیت و پافشاری برای حفظ وضع موجود و سرکوب معترضان با توصیف آنها به «شورشیان» یا «اغتشاشگران» نشئت می‌گیرد.

بحران‌ها در همه‌ی کشورهای دنیا، حکمرانان را بطور دوره‌ای ترغیب می‌کنند تا آنچه را «حقوق کیفری اضطراری یا فوق‌العاده» نامیده می‌شود و ویژگی‌های آن، بازگشت غریزی به واکنش‌های غیرارادی و انتقام‌جویانه یا عبرت‌آموز است، به اجرا بگذارند. در این صورت، حقوق جای خود را به مصلحت حاکمیت (نظام سیاسی) می‌دهد (پیکا، ۱۴۰۰: ۵۸). توسل به منابع موجود (ابزارهای کیفری) و اعلام وضعیت فوق‌العاده در کشور و گسترش اختیارات پلیس و نیروهای امنیتی برای بازداشت معترضان، ساده‌ترین راهکاری است که حاکمیت‌ها برای فرونشاندن خیزش‌های اجتماعی دنبال می‌کنند. در این حالت که کشور درگیر بحران سیاسی است، شمار متهمان و بازداشتی‌ها به ناگهان افزایش یافته و روال معمول دادرسی به محاق می‌رود و در مقابل، دادرسی کیفری اورژانسی یا زودآما یا فوریت‌مدار حاکم می‌شود. با این شرایط، اصول راهبردی و بویژه اصل برائت، بعنوان پیش‌مقدمه‌ی دغدغه‌مندی برای محدودسازی قدرت، دست‌کم تا رفع حالت بحران، تعلیق می‌شوند و مقامات تعقیب به

نمایندگی از دولت یا حکومت می‌کوشند با ادعای حمایت مؤثر از جامعه در برابر خطر فروپاشی قانون و نظم و به دستاویز برقراری امنیت شهروندان، اعتراض را با برچسب «شورش»<sup>۱</sup> سرکوب نماید. بدین سان، ملاحظات تأمین امنیت در برابر تهدیدهای نظام، در عمل، دستاوردهای حقوق بشری عدالت کیفری و یافته‌های علمی جرم‌شناسی نظری و جرم‌شناسی کاربردی را تا اندازه‌ی زیادی کم‌رنگ می‌نماید (نجفی ابرندآبادی، علی حسین، ۱۳۹۱: ۱۷) و معترض به مثابه‌ی تهدیدکننده‌ی نظم و امنیت شهروندان یا عامل وابسته به بیگانه یا کودتاجی یا در خوشبینانه‌ترین حالت، شخص فریب‌خورده و ساده‌لوح معرفی می‌گردد.

قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲)، به‌رغم آنکه به تبعیت از آیین دادرسی کیفری فرانسه،<sup>۲</sup> اصول راهبردی یا همان اصول دادرسی منصفانه را به شرح مواد ۲ تا ۶، پیش‌بینی و نهادینه کرده است، در عمل با تأثیرپذیری از نگرش و ملاحظات سیاست‌گذاران، زمینه‌های فروپاشی را در بعضی از قواعد مقرر می‌کند. افزون بر این، راهکارهای فراقانونی و بخشنامه‌ای برای تسریع رسیدگی‌های کیفری و بازگشت آرامش به کشور تجویز می‌شود که نتیجه‌ی آنها، تعلیق و کنارگذاری تمام یا برخی از فرآیندهای دادرسی است؛ ایده‌ای که نه تنها، بحران را خاموش نمی‌کند، بلکه مشروعیت محاکمات کیفری را در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی به چالش می‌کشد. عوامل فروپاشی آیین دادرسی کیفری منصفانه را می‌توان در فقدان آینده‌نگری، امنیت‌گرایی افراطی، نادیده گرفتن هویت‌های جدید و سرانجام، ازدحام

---

۱. در سال ۲۰۱۵، پس از آنکه پلیس شخصی با نام «فردی گری (Freddie Gray)» را در بالتیمور (شهری در ایالت مریلند آمریکا)، به قتل رساند، اعتراض‌های گسترده‌ای از جانب سیاهان علیه خشونت پلیس شکل گرفت. در پوشش خبری ناآرامی‌ها، رسانه‌های راست‌گرای آمریکا مانند فاکس نیوز که نماینده‌ی محافظه‌کاران است، از واژه‌ی «شورش» برای به توصیف «اعتراض» استفاده کردند که نوعی خلاف‌نمایی برای انحراف افکار عمومی بود. استنلی، ۱۳۹۸: ۱۰۶-۱۰۵.

۲. قانون‌گذار فرانسه با الهام از قوانین موجود خود، ماده‌ی ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و نیز رویه‌ی قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر، پیش‌گفتاری را با عنوان «ماده‌ی مقدماتی»، با تصویب قانون تقویت حمایت از فرض بی‌گناهی (برائت) و حقوق بزه‌دیدگان، ۱۵ ژوئن ۲۰۰۰، به مواد ۱ و بعد قانون آیین دادرسی کیفری افزوده است. در شروع ماده‌ی مقدماتی تصریح شده است: «دادرسی کیفری باید منصفانه و توافقی باشد و توازن حقوق طرف‌ها را حفظ کند». برای آشنایی با این متن و تحلیل آن، نک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، ۱۴۰۱: ۱۰۹۱ و رستمی، هادی، ۱۴۰۱: ۱۳۷ و بعد.

پرونده‌های کیفری دنبال و جستجو کرد. پژوهش حاضر به دنبال آن است که ضمن بررسی عوامل فروپاشی آیین دادرسی کیفری (۱)، زمینه‌ها و جلوه‌های فروپاشی را از منظر سیاست‌گذاری قانونی شناسایی کند (۲) و سپس، تعلیق و حذف فرآیندها را در پرتو امنیت‌گرایی قضایی (سیاست جنایی قضایی) تحلیل و واکاوی نماید و سرانجام، با لحاظ پیامدها و چالش‌ها، راهکاری را برای جلوگیری از فروپاشی فرآیند دادرسی کیفری منصفانه عرضه کند.

### ۱. عوامل فروپاشی

تغییرات و دگرگونی‌های اساسی همواره تهدیدکننده‌ی نظم اجتماعی جاری است و در بادی امر، نامطمئن و ناشناخته است. رژیم‌های سیاسی اقتدارگرا و محافظه‌کاران اصولاً از طرح‌های نو و بلندپروازانه‌ی گریزان بوده و تغییرات را به مثابه‌ی تهدیدی برای نظم سیاسی مستقر، سنت‌ها و عرف‌های پیشین می‌پندارند.<sup>۱</sup> استمرار وضع موجود و ناخرسندی از جنبش‌های اصلاح‌طلبانه و طرفداران نوسازی و نوگرایی، بتدریج آستانه‌ی تحمل شهروندان را پایین می‌آورد و به اعتراضات دامن می‌زند. با به رسمیت شناختن اعتراض‌ها و پیش‌بینی سازکارهای قانونی برای بیان خواسته‌های معترضان و عمل به آنها، در ظاهر مشکلی ایجاد نمی‌شود. مشکل و بحران از تقابل و انکار معترضان و تقلیل سطح خواسته‌های آنها به دشمنی با نظام و اعلام وابستگی آنها به دولت‌های بیگانه یا گروه‌های متخاصم ناشی می‌شود. همانطور که گفته شد، یکی از ابزارهای ابتدایی و در دسترس برای مقابله با اعتراض‌ها و دفاع از اصول عقیدتی و مبانی ارزشی نظام سیاسی مستقر، توسل به حقوق کیفری است که برخی از قواعد آن، مولود و ثمره‌ی ایدئولوژی<sup>۲</sup> است. احضار و جلب معترضان و برخورد‌های

۱. برای اطلاع از ماهیت محافظه‌کاری و جریان‌های واپس‌گرا و مخالف اصلاحات عمیق اجتماعی، نک: هیوود، اندرو، ۱۳۹۸: ۵۲۰ و بعد و اکلشال، ۱۳۹۹: ۷۹ و بعد.

۲. برای اطلاع بیشتر از قبض و بسط قلمرو کیفری در پرتو ایدئولوژی‌ها، نک: سلطانفر، شامیاتی و آزمایش، ۱۳۹۶: ۹۳ و بعد.



کیفری سریع، به ناگزیر موجبات تعلیق، اغما و در شرایط سخت‌تر، فروپاشی آیین دادرسی کیفری منصفانه را فراهم می‌کند.

### ۱-۱. فقدان آینده‌نگری

سیاست جنایی ممکن است به دلیل فقدان آینده‌پژوهشی و عدم پیش‌بینی رویدادها و حوادث احتمالی سیاسی و اجتماعی و نیز نداشتن برنامه‌ریزی برای مواجهه با آنها، بحرانی شود<sup>۱</sup> یا آنکه به پیدایش بحران‌های اجتماعی مدد رساند. بحران سیاست جنایی در برخی موارد، ثمره‌ی فاصله افتادن میان خواسته‌ها و ارزش‌های شهروندان با هنجارهای موردنظر سیاست‌گذاران است. جرم شناختن رفتاری که شهروندان آن را جرم نمی‌دانند و با روش‌های گوناگون اعتراض خویش را نشان می‌دهند، در درازمدت و بویژه در شرایطی که هنجار موردنظر، بخشی از ایدئولوژی حکومت محسوب شده و بر اجرای آن پافشاری داشته باشد، کشور و به دنبال آن، آیین دادرسی کیفری را درگیر بحران می‌کند. در واقع، بحران سیاست جنایی در برخی نظام‌ها، ناشی از بحران ایدئولوژی و التهاب جامعه است. هراندازه میان هنجارهای موردنظر حاکمیت یا طبقه یا حزب یا جریان حاکم با ارزش‌های پذیرفته‌شده در اجتماع یا اکثریت یا بخش قابل توجه شهروندان، فاصله‌ای عمیق و معنادار باشد، سیاست جنایی به تبع بحران‌های سیاسی و اجتماعی درگیر بحران می‌شود. این نوع شکاف هنجاری در غیاب فقدان راه‌حل منطقی برای کنترل اوضاع، می‌تواند مردم و دولت را رویاروی همدیگر قرار دهد. در این شرایط، حاکمیت که مجهز به قدرت تعقیب کیفری است، مقابله خواهد کرد و نتیجه‌ی این تقابل، فوریت‌مدار شدن دادرسی کیفری و در واقع، فروپاشی آیین دادرسی کیفری منصفانه است.

حقوق کیفری از آنجایی که جواز اعمال زور مستقیم و عریان را به حکومت می‌دهد و نوعی درد و رنج شدید یا دست‌کم ناخوشایند را بر اشخاص ناقض قانون تحمیل می‌کند،

---

۱. رمون گسن، جرم‌شناس فقید فرانسوی، بحران سیاست جنایی را محصول ویژگی‌هایی چون افزایش بی‌نظمی‌ها و نوسان‌های مهارناپذیر، عدم انطباق سیستم (نظام) با تحركات پیرامون خویش، تورم کیفری (جرم‌انگاری افراطی)، تورم جمعیت زندان‌ها و فقدان راه‌حل برای کنترل رضایت‌بخش بزهکاری می‌داند. نک: گسن، ۱۳۷۱: ۲۸۴.

نیاز به باورمندی عمیق و پایدار در جامعه دارد؛ گو اینکه حقوق یک پدیده‌ی اجتماعی است و باید متناسب با آهنگ دگرگونی‌های جامعه حرکت کند و به اقتضای تغییر در باورهای اجتماعی متحوّل گردد. برای مقبولیت بخشیدن به مجازات‌ها، تقویت سازکارهای دموکراتیک و همراه ساختن افکار عمومی با نظام عدالت کیفری، ضروری است. گاه مشاهده می‌شود قوانینی که توسط بشر و برای رفع نیازها وضع شده‌اند، در اثر گذشت زمان بتدریج حاله‌ای از تقدّس به خود می‌گیرند و تخلّفی از آنها، گناهی نابخشودنی به شمار می‌رود. دادرسان دادگاه‌ها که وظیفه‌شان اجرای عدالت است، چنان بنده‌وار در مقابل این ضوابط کهنه کمر پرستش خم کرده و به ستایش حکمت آن می‌پردازند که گویی معبود مقدّسی را می‌پرستند (نک: صانعی، ۱۳۸۱: ۱۶۰).

شماری از جرم‌انگاری‌ها در ایران کنونی مانند جرایم مرتبط با هنجارهای ایدئولوژیک و شرعی/اخلاقی بحران‌ساز شده است. رویکرد امنیّت‌گرایانه به این موضوعات و دادن اختیارات گسترده به گشت‌های انتظامی برای برقراری امنیّت اخلاقی موردنظر و بازتاب رسانه‌ای تقابل شهروندان با پلیس و گاه تقابل شهروندان موافق و مخالف سیاست‌ها با همدیگر که همراه با صحنه‌های دلخراش و درگیری است، به تشدید بحران‌های دیگر مدد رسانده است. احضار و جلب معترضان با عناوین اتهامی چون اجتماع و تبانی علیه امنیّت کشور (ماده‌ی ۶۱۰ قانون تعزیرات ۱۳۷۵) یا تبلیغ علیه نظام (ماده‌ی ۵۰۰ قانون مذکور) و در شرایط وخیم‌تر، محاربه و افساد فی الارض (مواد ۲۷۹ و ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲)، نشان می‌دهد که سیاست جنایی ایران در دفاع از هنجارها و نمادهای ایدئولوژیک کاملاً امنیّت‌گرایانه است. امنیّت‌گرایی افراطی، از یک سو، شکاف دولت و ملت را بیش از هر زمان دیگری آشکار کرده و از سوی دیگر، کارایی و کارآمدی پاسخ‌های کیفری را در مواجهه با این شکاف، تضعیف ساخته است. آینده‌نگری و آینده‌پژوهی و تجسّم آینده‌های بالقوه و کوشش برای برنامه‌ریزی با بهره‌گیری از منابع، الگوها و عوامل تغییر یا ثبات می‌تواند در رفع بحران اثرگذار باشد. در جهان امروز که آهنگ تحولات اجتماعی، برق‌آسا و غافلگیرکننده است، سیاست‌گذار معقول باید احتمال وقوع پیشامدها و بحران‌های اجتماعی

را پیش‌بینی نمایند<sup>۱</sup> و برای پیشگیری یا مدیریت چالش‌ها، سیاست‌های عمومی و به تبع آن، سیاست جنایی بر اساس آنها و به خصوص با توجه به پدیده‌ی «تغییر نسل»، تنظیم نماید، در غیر این صورت، کشور، آستانِ حوادث و تصمیم‌های فوریتی خواهد شد.

#### ۱-۲. امنیت‌گرایی افراطی

امنیت داشتن در برابر بزهکاری و مهار و کنترل بزهکاران، همواره بخشی از دغدغه‌های شهروندان در تمام دنیا است و از این رو، یکی از شعارهای محوری نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری یا مجلس، مبارزه با بزهکاری و خشونت بر اساس سیاست‌های تدوین شده است. تبیین نرخ بزهکاری و نگرانی در قبال افزایش آن و تنظیم برنامه‌های مهارکننده یا کاهنده‌ی بزه، بخشی از شعارهای انتخاباتی و تبلیغاتی است. بنابراین، شکل‌گیری جنبه‌هایی از سیاست‌های جنایی آشکارا متأثر از سیاست‌های عمومی و ایده‌های سیاست‌مداران است. به تعبیر کریستین لازرژ، استاد بازنشسته‌ی دانشگاه پاریس یک، «آموزش حقوق کیفری متضمن بررسی آموزه‌هایی است که به تدوین، اصلاح یا به انشای متون حقوق کیفری جهت داده اند» (لازرژ: ۱۴۰۰: ۸۱)، نگرش‌ها و ایدئولوژی‌ها در جهت‌دهی سیاست جنایی یا تغییر یا انحراف آن، تأثیرگذارند. به تعبیری: «حقوق کیفری علاوه بر نقش کلیدی خود بعنوان خصیصه‌ای از قدرت حاکم و از چشم‌اندازی عمدتاً نظری، دارای یک کارکرد نمادین و ابزاری نیرومند نیز می‌باشد ... کیفر و حقوق جنایی یا کیفری نمادها و ابزارهای قدرتمند و اشکال و کارکردهای آنها «روزنه‌ها»ی مهمی را در رابطه با عناصر و اهداف مقوم یک نظام سیاسی پیش رو می‌نهند» (اسکینز، ۱۳۹۹: ۶-۵). بنابراین، سیاست جنایی در ابعاد ماهوی آن (جرم‌انگاری و کیفرگذاری)، بعضاً انعکاسی از سیاست‌های عمومی و ارزش‌ها و اولویت‌های قدرت حاکم است. بخشی از تولید بزهکاری یا دادن برچسب مجرمانه به رفتارها، از حکمرانی دولت‌ها و مدیریت عدالت کیفری و بویژه برنامه‌ها و سیاست‌های مقطعی و ضربتی نشئت می‌گیرد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۱۷)، ارزش‌هایی که در قانون متبلور می‌شوند و برای جریان حاکم، مهم و اساسی است. در سطوح دیگر، عوامل میدانی مانند رسانه‌ها و

۱. در رابطه با آینده‌پژوهی و سیاست‌گذاری، نک: طاعتی و دیگران، ۱۴۰۰: ۳۴-۱۸.

خبرنگاران در جهت گیری یا انحراف سیاست جنایی تأثیر گذارند. رسانه‌ها با ایجاد احساس ناامنی از طریق پخش اخبار مربوط به حوادث جنایی و خشونت‌های خیابانی، کلیشه‌ها و پیش‌داوری‌های ذهنی خود را به مخاطبان انتقال می‌دهند. رسانه‌ها می‌توانند افکار عمومی را نگران ساخته و آنها را علیه سیاست جنایی موجود برآشوبند. احساس ناامنی ناشی از نمایش خشونت که اساساً عقلانی نیست، موجب شکل‌گیری سیاست‌هایی می‌شود که فاقد جنبه‌های علمی و صرفاً مسکن‌گونه و پاسخی به شهروندان نگران است (نک: نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۷: ۴۳-۴۲). در همین رابطه، استفاده حداکثری از رسانه‌های دولتی و نمایش اغراق‌گونه و بعضاً وارونه‌ی اعتراضات خیابانی، تحریک و تهییج شهروندان موافق و مخالف و صف‌آرایی و زورآزمایی میدانی آنها، نوعی فضای دوقطبی و عوام‌گرایانه را به نمایش می‌گذارد.

با این حال، امنیت «نظام» و ایدئولوژی سیاسی و مذهبی آن، در مقایسه با سایر هنجارها، وزن سنگین‌تری دارد و از این رو، گفتمان حکومت در سیاست‌گذاری جنایی پیرامون امنیت ملی حاکی از پیشینه‌گرایی و مقابله‌ی کیفری با هرگونه رفتاری است که امنیت هنجاری نظام را تهدید می‌کند. بررسی قوانین ماهوی و شکلی مرتبط با این حوزه، نشان می‌دهد که سیاست‌گذاران جنایی ایران در جرم‌های علیه مصالح عمومی کشور، بیش از آنکه دغدغه‌ی آزادی و حقوق اشخاص را داشته باشند، نگران امنیت بوده‌اند و در عمل، قوانینی را بر ساخته‌اند که در پاره‌ای موارد به دلیل ابهام‌نویسی<sup>۱</sup> می‌توانند حقوق و آزادی‌های فردی را تحدید نمایند. مطلق‌انگاری رکن مادی جرایم علیه امنیت و اکتفاء به نفس رفتار برای جرم شناختن عمل، عدم شمول مرور زمان برای این جرایم (ماده‌ی ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲)، ممنوعیت تعیین مجازات‌های جایگزین حبس (ماده‌ی ۷۱ قانون مذکور)، محدودیت در اعمال مقررات تعویق و تعلیق (بند الف ماده‌ی ۴۷ قانون مذکور)، تحدید حق انتخاب و کیل در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی (تبصره‌ی ماده‌ی ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲)، کنترل ارتباطات مخابراتی (ماده‌ی ۱۵۰ مذکور)، جلب بدون احضار (بند ت ماده‌ی ۱۸۰

۱. مانند جرم تبلیغ علیه نظام موضوع ماده‌ی ۵۰۰ قانون تعزیرات (۱۳۷۵) یا جرایم تعزیری که حکم محارب و مفسد فی‌الارض به آنها تعمیم یافته است، نظیر جرم همکاری با دولت متخاصم موضوع ماده‌ی ۵۰۹ قانون مذکور.

قانون مذکور)، عدم دسترسی متهم به پرونده‌ی اتهامی (تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۱۰۰ و ماده‌ی ۱۹۱ قانون مذکور)، جواز صدور قرار بازداشت در جرایم علیه امنیت تا درجه‌ی پنج (بند ۲ ماده‌ی ۲۳۷ قانون مذکور) و عدم ابلاغ دادنامه و تجویز استنساخ (تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۳۸۰ قانون مذکور)، دورنمایی از سیاست‌گذاری جنایی امنیت‌مدار را در قوانین ماهوی و شکلی به تصویر می‌کشد (آقایی‌نیا و رستمی، ۱۴۰۱: ۷۴-۷۳). در کنار این موارد، تلاش برای تدوین لایحه‌ی جامع در حوزه‌ی «عفاف و حجاب»<sup>۱</sup> و تحمیل تکالیف گوناگون و پیچیده برای وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی و عمومی و حتی مشاغل خصوصی بمنظور مقابله با بدپوششی زنان و مردان و وضع کیفرهای شدید در این خصوص، نمونه‌ی دیگری از سیاست جنایی ایدئولوژیک و امنیت‌گرا است که راه‌حل مقابله با تمام ناهنجاری‌های اخلاقی و اجتماعی را استفاده از ابزارهای کیفری و قهری می‌داند.

### ۳-۱. بحران هویت‌های جدید

شکل‌گیری سوژه‌های جدید با نمادهای هویتی و ارزش‌ها و مرزهای فرهنگی خاص می‌توانند در ایجاد جامعه‌ی مدنی نوین تأثیرگذار باشند. این هویت‌های برساخته که بیش از هر چیز مولود تکنولوژی اطلاعات (اینترنت) هستند، ممکن است در صورت انکار یا عدم پذیرش توسط قدرت حاکم، در قالب نهضت‌ها و جنبش‌های اجتماعی ظاهر شوند و دولت را تا مرز سقوط یا ناکارآمدی پیش ببرند. فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی مدرن که به مدد اینترنت توسعه یافته‌اند، مناسبات قدیم را تغییر داده و هویت یا هویت‌های تازه‌ای را ساخته‌اند. در پرتو این فناوری‌ها، هویت‌های جدید و اقلیت‌ها به یکدیگر نزدیک می‌شوند و قدرت سازماندهی و تبلیغ آنها بالا می‌رود (کاستلز، ۱۳۸۳: ۴۳۶). بتدریج در این فعل و انفعالات، نوعی سبک زندگی جدید شکل می‌گیرد که با قرائت رسمی مطابقت ندارد و به نوعی مزاحم آن است. اصرار دولت بر هنجارهای رسمی و حمایت کیفری از آنها و مقابله با سبک زندگی

---

۱. این لایحه پس از فراز و نشیب فراوان در ۲۹ شهریور ۱۴۰۲ با ۱۵۲ رأی موافق، ۳۴ رأی مخالف و ۷ رأی ممتنع به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و نمایندگان با اجرای آزمایشی آن به مدت ۳ سال موافقت کردند و هنوز به تأیید شورای نگهبان نرسیده است.

و آرایش جدید که حالت روزمرگی به خود گرفته است، چالش برانگیز می‌شود و ثمره‌ی این تقابل، سلب آزادی از شهروندان و بازداشت آنها است. مقابله‌ی کیفری با هویت‌های جدیدی که در عصر شبکه‌های ارتباط مجازی شکل گرفته‌اند و نگرش و باورهای آنها دچار دگرگونی اساسی شده است، بتدریج خطرناک شده و جامعه را به سمت «انقلاب»<sup>۱</sup> سوق می‌دهد.

هویت‌های مقاوم که از طرف جریان حاکم نادیده گرفته شده‌اند و نیز هویت‌های برنامه‌دار که از بطن هویت‌های مقاومت برمی‌خیزند و به مدد شبکه‌های ارتباطی، مناسبات جدیدی با مضامین حقوقی تازه مانند حقوق زنان یا حقوق محیط زیست یا حقوق اقلیت‌ها را در ساحت زیست اجتماعی بازسازی و طراحی می‌کنند، می‌توانند درگیر مبارزه‌ی دفاعی و هجومی با جریان حاکم شوند و قدرت را بطور مستمر به چالش بکشند. همانطور که کاستلز در کتاب «عصر اطلاعات» نشان می‌دهد، در جوامع شبکه‌ای شده، قدرت دیگر در نهادها (مثل دولت)، سازمان‌ها (شرکت‌های سرمایه‌داری) یا کنترل‌کنندگان نمادها (رسانه‌ها و کلیساها) متمرکز نیست و در عصر کنونی، قدرت در شبکه‌های ارتباطی و اینترنت که جغرافیای غیرمادی دارند، نشر می‌یابد. دولت‌ها در رویارویی با این هویت‌های جدید و معارض می‌توانند شلیک کنند و تا حدودی بر اوضاع مسلط گردند، اما چون سیمای دشمنان آنها و محل جدال، بطور فزاینده‌ای مبهم و نامعلوم است، آنها با چشم بسته تیری را در تاریکی رها می‌کنند و شاید به خود شلیک کرده باشند (کاستلز، ۱۳۸۹: ۴۳۱).

مقابله‌ی کیفری و انعطاف‌ناپذیری در برابر هویت‌های نوظهور، در شرایطی که طیف وسیعی از شهروندان را نمایندگی می‌کنند، می‌تواند در عمل تنش آفرین باشد. هویت‌هایی که مزاحم و معارض هنجارهای رسمی هستند، می‌توانند بعنوان یک تهدید نرم شناسایی شوند؛ ابزارهای کیفری، برای مواجهه با چنین پدیده‌هایی مناسب نیستند. به تعبیر ژرژ پیکا، عدالت کیفری، شکلی از «مددکاری اجتماعی» نیست و نباید همواره چنین نقشی را ایفا کند. قصور نظام‌های تربیتی، اجتماعی، پزشکی و ... در قبال بزه‌کاران را که نارسایی‌های جسمانی یا روانی یا

۱. به باور برخی جرم‌شناسان: «اغراق نیست اگر بگوییم که اعتراض به نظام کیفری در فرانسه، تا اندازه‌ای به پیروزی انقلاب ۱۷۸۹ این کشور کمک کرد». پیکا، ۱۴۰۰: ۹۵.

اخلاقی یا جامعه‌پذیری نامطلوب، آنها را به سمت ارتکاب جرم سوق داده است، نباید به نظام عدالت کیفری تحمیل کرد (پیکا، ۱۴۰۰: ۱۳۴). لازم است که بسیاری از کجروی‌ها و انحراف‌های اجتماعی و به خصوص مواردی که شهروندان پیرامون آنها، نگرش‌های گوناگونی دارند، جرم‌زدایی شده و موضوع به نهادهای فرهنگی محول گردد. حتی اگر برخی جرم‌انگاری‌ها در آغاز پشتوانه‌ی مردمی داشته باشند، با گذر زمان و تغییر نسل، این پشتوانه ممکن است تضعیف یا کم‌رنگ گردد.

#### ۱-۴. تراکم پرونده‌های کیفری

پيامد اجتناب‌ناپذیر جرم‌انگاری افراطی در حوزه‌ی امنیت و نیز مقابله با هویت‌های جدید، ازدحام جمعیت کیفری است که خود این امر، اثر مستقیم تنش‌ها و اعتراض‌های سیاسی است. این نوع جرم‌انگاری‌ها در عمل، قدرت زیادی به دادستان‌ها، ضابطان دادگستری و نیروهای امنیتی برای کنترل اشخاص، احضار، جلب یا تحت‌نظر قرار دادن آنها می‌دهد. جرم‌انگاری افراطی، قدرت تعقیب کیفری دادستان‌ها را بالا برده و حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان را تهدید می‌کند. این قدرت، مخرب حاکمیت قانون و اصل کیفیت‌مندی (دسترس‌پذیری و قابل فهم بودن) آن است (نک: Husak, 2008: 31-32) و مجال نفس کشیدن را از شهروندان می‌گیرد. اینکه حاکمیت حق داشته باشد که برای حفظ نظام هنجاری خویش، بدون توجیه یا دلیل آوری، اقدام به جرم‌انگاری و کیفرگذاری نماید، در نهایت به دلیل تقابل با حقوق و آزادی‌های اشخاص، قلمرو دعاوی کیفری را فراخ‌تر می‌کند و در مواردی که تنش‌های سیاسی و تقابل احزاب و گروه‌ها بالا می‌گیرد یا خشونت گسترده حکم فرما می‌شود و بویژه ایدئولوژی رسمی، در معرض خطر یا تهدید اساسی قرار می‌گیرد، تقاضای رسمی از طرف نظام حاکم، گروه‌ها و احزاب وفادار به حکومت برای مجازات و بازداشت اشخاص (معترضان و ناراضیان)، افزایش یافته و پدیده‌ی تورم جمعیت کیفری زندان‌ها شکل خواهد گرفت (نک: آلبرشت، ۱۳۹۵: ۴۷).

---

۱. کتاب جرم‌انگاری افراطی، اثر داگلاس هوساک به زبان فارسی ترجمه شده است (هوساک، ۱۳۹۲)، اما در این مقاله به متن اصلی رجوع شده است.

بدین سان، یکی از دلایل متورّم شدن دعاوی کیفری در نظام های حقوقی و بویژه نظام های اقتدارگرا، افراط در جرم انگاری و عدم تفکیک مقوله ی انحراف از جرم است. این اقدام، از یک سو، موجب افزایش دعاوی کیفری، انباشت جمعیت کیفری زندان و تحمّل هزینه های کمرشکن بر جامعه می شود و از سوی دیگر، بنیان های دادرسی منصفانه در پرتو متراکم شدن دعاوی کیفری و شلوغی دادرسی ها و دادگاه ها متلاشی شده و حاکمیت به بهانه ی اعاده ی نظم عمومی و بازگشت امنیت به کشور، دادرسی فوق العاده و سرعت در رسیدگی ها را بخشنامه و دیکته می کند و متهمان بدون داشتن حداقل امکانات دفاعی در یک دوره ی زمانی بسیار کوتاه، محاکمه و محکوم می شوند.<sup>۱</sup> در چنین اوضاع و احوالی، عدالت کیفری متهم می شود: «همچنان بر اساس ارزش های منسوخ اقدام و تصمیم می گیرد؛ ادّعی عدالت کیفری مبنی بر خیرخواهی و خوشبختی مردم امروزه پذیرفته نمی شود» (پیکا، ۱۴۰۰: ۱۰۹).

از بُعد جرم شناسی نیز، این نگاه ریشه در جرم شناسی امنیت گرا یا به عبارت دیگر، جرم شناسی خطر یا قانون و نظم دارد که یک گروه از بزهکاران را به اعتبار اینکه دشمن و خطرناک اند، برجسته کرده و خواهان سخت گیری و شدت عمل بیشتری هستند (نک: نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۲: ۲۲). در این شرایط، رفتار مجرمانه نوعی اعلام خصومت با نظم موجود است و از این رو، گفتمان قضایی، بزهکار را به مثابه ی دشمن و متخاصم پنداشته و بدین ترتیب، حقوق کیفری دشمن مدار شکل می گیرد که نتیجه ی آن، عدم اغماض با متهمان و توسّل به برخوردهای شدید است. دفاع از اماره ی مجرمیت به جای اصل برائت، توسعه ی کیفیات مشدّده ی مجازات، مادی شدن جرایم و عدم توجّه به رکن معنوی، تمایل به مجازات های ثابت، افزایش مواعد بازداشت موقت و ...، برخی از جلوه های این نگرش محسوب می شوند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴: ۱۱۳-۱۱۰). با این حال، با ازدیاد جمعیت

۱. برای نمونه، م. ش، یکی از متهمان امنیتی، پس از ۷۵ روز بازداشت در ۱۷ آذر ۱۴۰۱ به اتهام محاربه اعدام شد. حکم اولیه در دادگاه انقلاب، ۲۹ آبان صادر می شود و دیوان عالی کشور، به سرعت (پیش از انقضای مهلت ۲۰ روزه ی فرجام خواهی)، حکم را ابرام می کند (نک: [isna.ir/xdMTZm](http://isna.ir/xdMTZm)). صرف نظر از درستی یا نادرستی حکم، این نوع دادرسی و سرعت عمل در رسیدگی برای اتهامی که مجازات اعدام دارد، در عین حال که اتهام های سبک سال ها درگیر اطلاعیه دادرسی در دادگاه های ایران هستند، چالش برانگیز و موجب تنش های اجتماعی می شود.



کیفری زندان‌ها و افزایش فشارهای سیاسی، اجتماعی، بین‌المللی و حتی اقتصادی، راهکار ساده و اجتناب‌ناپذیر حاکمیت برای کاهش بحران‌ها، توسل به عفو حداکثری<sup>۱</sup> است.

## ۲. زمینه‌ها و جلوه‌های فروپاشی

دفاع از قدرت سیاسی و استمرار حاکمیت سیاسی به هر بهایی، کلیدواژه‌ی سیاست جنایی نظام‌های اقتدارگرا و اقتدارگرایی فراگیر است. هرگونه تخطی یا دست‌اندازی به هنجارهای جریان حاکم می‌تواند به تعقیب کیفری یا برخوردهای دیگر بیانجامد. در این شرایط، سیاست‌گذاران جنایی، ممکن است برای حالت‌های اضطراری، برنامه‌های ویژه و از پیش تعیین‌شده‌ای داشته باشند. هرچند نظام سیاست جنایی ایران در چارچوب هیچ‌یک از مدل‌های رایج سیاست جنایی قرار نمی‌گیرد و ماهیت مستقل و متمایزی دارد، با بررسی سیاست جنایی شکلی (آیین دادرسی کیفری) این کشور می‌توان شماری از قاعده‌گذاری‌های امنیت‌مدار را ردیابی کرد. این قواعد در بحران‌ها و رویدادهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می‌توانند فرآیند دادرسی کیفری منصفانه یا حتی روال معمولی و متعارف دادرسی را تعطیل و زمینه‌های فروپاشی را فراهم نمایند.

### ۲-۱. تمرکزگرایی و افزایش اختیارات نهاد تعقیب

برقراری دادرسی منصفانه در گرو نظارت‌پذیری، شفافیت و مسئولیت‌پذیری دستگاه قضایی و نهادهای وابسته به آن است. در نظام‌های مردم‌سالار، نهاد پارلمان (مجلس) نمی‌تواند در مورد آراء و تصمیم‌های قضایی، قوه‌ی قضائیه را بازخواست نماید، اما عملکرد مقامات تعقیب با مظنونان، متهمان و زندانیان و نیز نوع رویارویی آنها با معترضان، مصون از نظارت نبوده و دستگاه عدالت کیفری باید در برابر نهادهای انتخابی و نمایندگان مردم پاسخ‌گویی اقدامات خود باشد. این بازخواست و حساب‌کشی در سطح کلان، نوعی «ضمانت‌اجرای

---

۱. به تصریح رئیس قوه‌ی قضائیه در نشست شورای عالی قوه‌ی قضائیه در ۲۲ اسفندماه ۱۴۰۱، شمار مشمولان عفو در نیمه‌ی دوم ۱۴۰۱، در مجموع ۸۲ هزار و ۶۵۲ نفر است و از این تعداد، ۲۲ هزار نفر مربوط به متهمان و محکومان اغتشاشات اخیر هستند. نک: <http://www.sharghdaily.com/fa/tiny/news-873579>

سیاسی» برای کارنامه‌ی مدیریت دادگستری (قوه‌ی قضائیه) در سپهر حقوق شهروندی محسوب می‌شود که ضابطان قضایی نیز زیرمجموعه‌ی آن، محسوب می‌شوند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۶: ۶۱۲). تمرکزگرایی قوه‌ی قضائیه در ایران و نبود الزام قانونی برای حضور مقامات قضایی در مجلس برای پاسخ یا توجیه اقدامات نهادهای تحت امر، در نوع خود و به خصوص در موارد بحرانی، تهدیدی برای دادرسی منصفانه محسوب می‌شود. وانگهی، دادرسی در ایران زیر نظر قوه‌ی قضائیه است و ابلاغ قضایی دادستان و سایر قضات دادرسی توسط رئیس قوه‌ی قضائیه صادر می‌شود و همین تجمیع و پاسخگو نبودن در برابر نهادهای انتخابی، به صورت چشمگیری، استقلال دادرسی را تضعیف و امکان تعدی به حقوق شهروندان را فراهم می‌کند. این مشکل در شرایط بحران، سبب می‌شود که اختیارات مقام تعقیب برای احضار و بازداشت مخالفان بالا رفته و در قامت یک مأمور یا کارگزار حکومت ظاهر گردد و بیشتر مجری مصوبات نهادهای فراقوه‌ای مانند شورای عالی امنیت ملی باشد. افزون بر اعطای قدرت و اختیارات فراوان به مقامات قضایی و ضابطان دادگستری برای تعقیب کیفری و بازداشت اشخاص به بهانه‌ی حراست از امنیت هنجاری، شبکه‌های کنترل و نظارت بر شهروندان و نیز قدرت و آزادی عمل پلیس و ضابطان به هنگام بحران‌های سیاسی و اجتماعی، گسترش یافته و منطبق بر خورد و سرکوب در سطح بالایی مورد توجه قرار می‌گیرد. هرچند در ماده‌ی ۲۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲)، احضار و جلب اشخاص منوط به وجود «دلایلی کافی» شده و نادیده گرفتن آن، ضمانت اجرای انتظامی دارد، اما با نبود نظارت مستمر و سازکارهای شفاف و مناسب بر قضات و نیز فقدان ضابطه‌گذاری دقیق برای «دلایل کافی»، این قاعده در عمل و به خصوص در مواقع بحران، رعایت نمی‌شود. افزون بر این‌ها، دادن اختیارات فراوان به دادستان‌ها در مراحل مختلف فرآیند کیفری، تا حدودی الزامات یک دادرسی عادلانه، از جمله اصل بی‌طرفی و اصل تساوی سلاح‌ها را نقض می‌کند.<sup>۱</sup>

۱. برای اطلاع بیشتر، نک: فتحی و دادیار، ۱۳۹۲: ۱۴۸-۱۲۳.

افزون بر مقامات تعقیب، نیروهای نظامی و انتظامی و ضابطان دادگستری و بویژه ضابطان خاص که شمار آنها در حقوق ایران فراوان و پراکنده است، در شرایط بحران، اختیارات گسترده‌ای پیدا می‌کنند. برای تشویق این نیروها جهت مقابله با اعتراض‌ها و خشونت‌های شهری، بعضاً پاداش‌هایی در چارچوب افزایش حقوق و مزایا، داده می‌شود. برای نمونه، در اعتراض‌های خیابانی ۲۰۰۵ فرانسه، مبلغ ۳۰۰ یورو به ۲۲۰۰۰ هزار نیرو داده شد (گسن، ۱۳۹۹: ۴۳). ضابطان دادگستری در ایران، در مواجهه با جرایم مشهود موضوع ماده‌ی ۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲)، قدرت عمل بالایی دارند. ضابطان در همه‌ی این جرایم بدون توجه به درجه‌ی آنها، می‌توانند متهم را بازداشت و تا بیست و چهار ساعت تحت نظر قرار دهند. بر این اساس، آنها می‌توانند به بهانه‌ی ضرورت انجام تحقیقات، حتی در جرمی با جزای نقدی درجه‌ی هشت، بدون اجازه‌ی مقام قضایی، متهم را بازداشت کنند. پیامدهای اجتماعی این اقدامات در ایران در چارچوب «پلیس امنیت اخلاقی» یا «پلیس گشت ارشاد»، قابل ارزیابی است. برای ایجاد «امنیت اخلاقی» با قرائت رسمی، تشکیلات عظیمی راه‌اندازی شده که در عمل به دلیل نافرمانی اجتماعی، هزینه‌های سیاسی، اجتماعی و بین‌المللی گسترده‌ای به کشور تحمیل شده است. در جرایم درجه‌ی شش تا هشت، به‌رغم آنکه به موجب ماده‌ی ۲۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲)، صدور قرار بازداشت موقت ممنوع است، اما دستگیری متهم توسط ضابطان در فرض مشهود بودن جرم، به تصریح ماده‌ی ۴۶ قانون مذکور الزامی می‌باشد و این تناقض، چالش برانگیز است.

همچنین ضابطان دادگستری، در تفتیش منازل، اماکن، اشخاص و برقراری ایست‌های بازرسی برای توقّف و تفتیش وسایل نقلیه به بهانه‌ی مشهود بودن جرم، اختیار عمل زیادی دارند و قوانین مرتبط با این حوزه نیز به شدت مبهم و نارسا است. تبصره‌ی ماده‌ی ۵ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر (۱۳۹۴)، مرزهای حریم خصوصی و عمومی را از بین برده است: «اماکنی که بدون تجسس در معرض دید عموم قرار می‌گیرند، مانند قسمت‌های مشترک آپارتمان‌ها، هتل‌ها، بیمارستان‌ها و نیز وسایل نقلیه مشمول حریم خصوصی نیست». با این مصوبه، مشاهده‌ی ناگهانی ضابط در بخش مشاعات آپارتمان‌ها یا توقیف وسایل نقلیه به ظن مشکوک بودن، نباید شگفت‌انگیز باشد. با حریم خصوصی

محسوب نشدن، ظاهراً مجوز مقام قضایی حتی از نوع شفاهی آن<sup>۱</sup> ضرورت نداشته و همین موضوع، بیم سوءاستفاده و اقدامات خودسرانه را افزایش می‌دهد. همچنین، تعدد ضابطان که به لحاظ سازمانی متمایز از یکدیگرند، موازی کاری آنها، تداخل در وظایف هم و ارائه‌ی گزارش‌های غیرهمسو در موضوعات مشابه و گاه تنش و درگیری این نیروها با یکدیگر، تصویر نامطلوبی از این نیروها را نزد افکار عمومی انعکاس می‌دهد.

## ۲-۲. تحدید حق انتخاب و کیل

دادرسی بی طرفانه و منصفانه بدون استقلال و کیل قابل دفاع نیست. در کنار دادگاه و قاضی مستقل، وجود و کیل مستقل ضروری است. استقلال و مصونیت دادگاه با استقلال و مصونیت و کیل، شناخته می‌شود و این دو، تفکیک‌ناپذیرند. حق داشتن و کیل و آزادی انتخاب آن در آیین دادرسی کیفری، امروزه یک حق بدیهی و شناخته شده در نظام‌های دادرسی است. سیاست جنایی ایران، به‌رغم تصریح به حق داشتن و کیل در فرآیند دادرسی کیفری، آزادی انتخاب شهروندان را در «جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی و همچنین جرائم سازمان‌یافته» که مجازات آنها مشمول ماده‌ی ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) است، تحدید و برگزینش و کیل از میان فهرست و کلای مورد تأیید رئیس قوه‌ی قضائیه تصریح کرده است. برخلاف منطوق تبصره که ناظر به مجازات‌های موضوع ماده‌ی ۳۰۲ قانون مزبور است، بعضاً همه‌ی متهمان جرم‌های علیه امنیت، بدون توجه به مجازات قانونی جرم، از حق آزادی انتخاب و کیل محروم شده و آنها را به فهرست و کلای موردنظر دستگاه قضایی هدایت می‌کنند.<sup>۲</sup> افزون بر این، متهمان این جرائم از حق انتخاب و کیل در مرحله‌ی محاکمه

۱. ماده‌ی ۳۴ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲)، به «دستور شفاهی» به ضابطان، در موارد فوری که صدور دستور کتبی مقدور نیست، تصریح می‌کند. صرف‌نظر از این دستورها که در شرایط بحران، فراوان صادر می‌شود و به‌لحاظ اصولی مغایر با حقوق شهروندان است، در رابطه با تفتیش‌هایی که قانون‌گذار آنها را ناقض حریم خصوصی نمی‌شناسد، مانند وسیله‌ی نقلیه، این دستورها نیز گرفته نمی‌شود.

۲. اداره‌ی حقوقی قوه‌ی قضائیه در نظریه‌ی شماره‌ی ۷/۱۴۰۱/۷۷۷ مورخ ۱۴۰۱/۹/۲۹ در پاسخ به استعلام دادستان عمومی و انقلاب قزوین، برخلاف رویه‌های معمول، اعلام می‌کند: «... حکم مذکور در تبصره‌ی اصلاحی ماده‌ی ۴۸ یادشده حکمی استثنایی و خلاف اصل است.... بر این اساس، باید گفت انحصار مداخله و کلای مورد تأیید رئیس قوه‌ی قضائیه فقط در خصوص آن دسته از جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی است که مجازات آن مشمول ماده‌ی ۳۰۲ قانون

دادگاه) نیز محروم می‌شوند و با وجود اشاره به «مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی» در تبصره‌ی مذکور، دادگاه‌های انقلاب که صلاحیت رسیدگی به این جرایم را دارند، اغلب از پذیرش وکلای تعیینی سر باز می‌زنند.<sup>۱</sup>

تمرکز بر وکلای خاص و ارائه‌ی فهرست مشخصی از آنها از سوی رئیس قوه‌ی قضائیه در جرایم علیه امنیت و سازمان یافته، از چند جهت تأمل برانگیز است: نخست، تبعیض ناروا و ناعادلانه‌ای میان وکلا ایجاد می‌کند. حاکمیت با این اقدام، دست کم طیف وسیعی از وکلای دادگستری را که برابر قوانین جمهوری اسلامی ایران با گذر از مراحل گزینشی گوناگون و پیچیده، پروانه‌ی وکالت گرفته اند، نادیده می‌گیرد؛ دوم، این تبعیض و انحصارگرایی، فسادبرانگیز است و در شرایط بحرانی و ملتهب شدن اوضاع کشور، شماری از وکلا با سوءاستفاده از موقعیت خود و بعضاً با تشکیل گروه و تباری با یکدیگر، مبالغ بسیار بالایی را برای پذیرش وکالت متهم، مطالبه می‌کنند<sup>۲</sup> و خانواده‌ی متهمان را زیر فشار مالی سنگینی قرار می‌دهند؛ سوم، این تبصره، حاکمیت را در مظان اتهام دادرسی ناعادلانه و غیرمنصفانه قرار می‌دهد، زیرا وکیل تعیین شده، مورد اعتماد دستگاه قضایی و به نوعی وابسته به آن و در حد یک مأمور یا کارگزار دولت محسوب می‌شود و از این رو، توان و امکان دفاع مطلوب از متهم یا چالش با قضات دادگاه را در جرایم علیه امنیت نخواهد داشت و حتی ممکن است متهم را به همکاری با بازپرس و اعتراف به بزه ناکرده در قبال وعده‌ی برخوردارگی از نهادهای ارفاقی ترغیب نماید. دولتی کردن وکیل و نهاد وکالت «فرآیند کیفری را از «دادرسی منصفانه» دور و حکومت قانون را قویاً تضعیف می‌کند، محدودیت‌های جدیدی را در حوزه‌ی دادگستری که وکیل مستقل، یاور آن محسوب می‌شود و نه کارمند آن، به وجود می‌آورد؛ و از همه مهمتر با سیاست کلی چابک‌سازی

آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ باشد و در سایر جرایم علیه امنیت کلیه‌ی وکلای دادگستری طبق عموماً حق مداخله دارند...».

۱. در رابطه با این مشکلات، روایت وکلای بازداشتی‌های اعتراضات پاییز ۱۴۰۱ در روزنامه‌ی اعتماد شنیدنی است:

<https://www.etemadonline.com/tiny/news-585979>

۲. در این رابطه، گزارش یکی از نمایندگان مجلس (عضو کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس) در گفتگو با خبرگزاری ایلنا قابل توجه است. نک: <https://www.ilna.ir/fa/tiny/news-1298536>

دولت‌ها (حکومت)، یعنی کاهش هزینه‌ها و وظایف حکومتی و نیز افزایش مشارکت واقعی جامعه‌ی مدنی در اداره‌ی جامعه در تضاد آشکار است» (نجفی ابرندآبادی: ۱۴۰۱: ۱۰۹۷). بدین ترتیب، وکیل مورد تأیید دستگاه قضایی، نه تنها حق آزادی اشخاص را در انتخاب وکیل نادیده می‌گیرد، بلکه مغایر با اصول جهانی شده‌ی دادرسی منصفانه است.

### ۲-۳. شکل‌گیری مراجع قضایی ویژه

اختصاصی‌سازی یا تخصصی کردن مراجع قضایی و پیش‌بینی نهادهای ویژه و سیاست‌گذاری‌های خاص و متمایز با قواعد معمول رسیدگی به جرایم با هدف کارآمدسازی پاسخ‌های کیفری یا رویکرد حل مسئله‌ای به موضوع، در مجموع امر مطلوب و قابل دفاعی است. دادرسی دادگاه‌های اختصاصی و تخصصی با اهداف و توجیحات خاص تشکیل شده و قواعد دادرسی آنها خارج از روال عادی و به صورت افتراقی است. در همین رابطه، دادگاه‌های اطفال و نوجوانان که بر اساس ماده‌ی ۲۹۸ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) بعنوان یک مرجع اختصاصی شناخته می‌شوند و نیز دادرسی ویژه‌ی نوجوانان، موضوع ماده‌ی ۲۸۵ قانون مذکور، مبتنی بر سیاست جنایی ارفاقی و نمونه‌ی مثبت و موفق در دنیا به‌شمار می‌آیند. همچنین، دادگاه‌های ویژه‌ی جرایم اقتصادی<sup>۱</sup> که با توجه به شرایط خاص ارتکاب این نوع جرایم، تخصصی بودن مراجع رسیدگی‌کننده را توجیه می‌نماید، قابل دفاع هستند. البته، سیاست افتراقی شدن در پرتو دادرسی ویژه، همواره مثبت نبوده و گاه تبعات منفی به‌همراه دارد. برای مثال، سیاست جنایی شکلی ایران در قبال جرم‌های علیه امنیت، نوعی افتراقی‌سازی از طریق دادگاه‌های اختصاصی یا دادگاه‌های ویژه است که بیشتر مبتنی بر سخت‌گیری و شدت عمل است. دادگاه‌های انقلاب که از همان روزهای نخستین انقلاب سال ۱۳۵۷ تشکیل شدند، مصداق بارز این سیاست هستند. برخورد سریع، قاطع و انقلابی، ضرورت وجودی این دادگاه‌ها را که در آغاز چندان به قواعد شکلی اعتنایی نداشتند، توجیه می‌کرد. با این حال، صلاحیت دادگاه‌های انقلاب در سال‌های بعدی به‌رغم اختصاصی و

۱. در رابطه با توجه مراجع قضایی تخصصی یا اختصاصی در تعقیب و رسیدگی به جرایم اقتصادی، نک: باباخانی و رستمی، ۱۴۰۱: ۴۶-۳۶.

استثنایی بودن، توسعه یافت و تقریباً بعنوان یک دادگاه ثابت مورد توجه قرار گرفت. در دهه‌ی چهارم انقلاب اسلامی، هنوز این دادگاه‌ها وجود دارند و این نگرش، گویای آن است که شرایط کشور در حوزه‌ی امنیت داخلی و خارجی مطلوب نیست و حاکمیت همواره نگران و دلواپس امنیت سیاسی است.<sup>۱</sup>

افزون بر دادگاه‌های انقلاب، دادسراها و دادگاه‌های نظامی و ویژه‌ی روحانیت که مورد اخیر تابع تشکیلات دادگستری نیست، نیز از نوعی رژیم دادرسی افتراقی تبعیت می‌کنند و در مواقع بحران، نقش آفرینی زیادی دارند. در سال‌های اخیر، دادگاه‌های دیگری نیز با نگرش اورژانسی تشکیل شده اند که نحوه‌ی شکل‌گیری، روش کار و فعالیت آنها خلاف قانون اساسی بوده و به لحاظ تبارشناسی، در کل تاریخ نظام قضایی ایران، پیشینه‌ای ندارند. این دادگاه‌ها، مشروعیت خود را از دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های ریاست قوه‌ی قضائیه می‌گیرند و نمونه‌ی مشهور آنها، «دادگاه‌های ویژه رسیدگی به اختلال گران نظام اقتصادی و ارزی» است که با آیین‌نامه‌ی مورخ ۱۳۹۷/۸/۲۳ تشکیل شدند و تا پایان شهریور ۱۴۰۰ مجوز فعالیت داشتند. شکل‌گیری این نوع دادگاه‌ها با اصل ۱۵۹ قانون اساسی که «تشکیل دادگاه‌ها و تعیین صلاحیت آنها» را منوط به «حکم قانون» می‌کند، مغایرت کامل دارد. شرایط اقتصادی کشور و ضرورت برخورد سریع با متهمان اختلال در نظام ارزی، مدیریت کلان دستگاه قضایی را در دوره‌ای به این نتیجه رساند که با گذر از اصول و تشریفات پیچیده‌ی قانون آیین دادرسی کیفری، دادگاه‌های مذکور را به صورت فوق‌العاده و با روش دادرسی افتراقی تشکیل دهد. قطعیت احکام دادگاه‌ها (جز در مورد اعدام) و عدم قابلیت اعتراض به قرار بازداشت، محدودیت در انتخاب و کیل، تقلیل مواعد قانونی و سرعت بخشیدن به فرآیند رسیدگی، تمام اصول و قواعد دادرسی کیفری را تعطیل می‌کند و بعید است که نمونه‌ی مشابه دیگری در دنیا داشته باشد (نک: رستمی، ۱۴۰۰: ۳۰۵). از یک سو، در مواد نخستین (ماده‌های هفت‌گانه) آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) بر رعایت اصول راهبردی مانند اصل

---

۱. می‌توان به نمونه‌های خارجی این نوع دادگاه‌ها نیز اشاره کرد. برای مثال، «دادگاه ویژه‌ی صیانت از دولت» در ایتالیای دوره‌ی موسولینی در ۱۹۲۶، نمادی از دادگاه‌های ویژه بود که با ترکیبی از کارکنان نظامی و اعضای شبه‌نظامی و با هدف پاسخ فوری به حملات علیه نظام تشکیل شده بود. لاکچه، ۱۳۹۹: ۳۱.

برائت، اصل قانون‌مندی و اصل تساوی سلاح‌ها، تأکید شده و برای تخطی از آنها، ضمانت اجرای کیفری پیش‌بینی می‌شود و از سوی دیگر، با تصمیمات فراقانونی، همه‌ی این اصول فرو می‌پاشد و متهمان بدون رعایت مقررات مفصل آیین دادرسی کیفری که در ۶۹۹ ماده تنظیم شده است، در چارچوب یک دادرسی ویژه ۳۰ ماده‌ای، به سرعت محاکمه و به مجازات‌های سنگین محکوم می‌شوند. این دوگانگی و تعلیق اصول در شرایط اضطراری، جز تضعیف حاکمیت قانون و نادیده گرفتن حقوق متهمان، ثمره‌ای نداشته و مشروعیت آراء چنین دادگاه‌هایی را به چالش می‌کشد.

افزون بر این‌ها، با توجه به عدم ضرورت حضور دادستان یا نماینده‌ی وی در جلسات دادگاه کیفری، جز در موارد استثنایی مانند جرایم موضوع ماده‌ی ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) که در این مورد نیز عدم حضور دادستان مانع ادامه‌ی رسیدگی نخواهد شد، محاکمات کیفری از حالت ترافعی و تدافعی خارج شده و به صورت تفتیشی اداره می‌شوند.<sup>۱</sup> این رویه، در عمل سبب می‌شود، قضات دادگاه‌ها به جای رعایت اصل تساوی سلاح‌ها، وظیفه‌ی مقام تعقیب (دادستان) و دفاع از کیفرخواست را در غیاب وی به عهده گیرند و با پرسش‌های مداوم از متهم و به چالش کشیدن او، ناخواسته از حالت بی‌طرفی و انصاف خارج شوند و بیشتر در قامت دادستان یا بازپرس ظاهر شوند تا قاضی دادگاه.

#### ۲-۴. غیرعلنی و محرمانه شدن رسیدگی‌ها

علنی کردن فرآیند کیفری و عدم ایجاد مانع برای حضور اشخاص در جلسات دادرسی یا تمهید ساختاری برای انتشار مذاکرات دادگاه‌ها برای اطلاع شهروندان، از روش‌های مشروعیت‌بخش به آراء و تصمیمات قضایی است. امروزه یکی از حقوق طرفین دعوای کیفری، بویژه حق متهم، «حق بر علنی بودن دادرسی» است که بیشتر اسناد بین‌المللی به آن تصریح کرده‌اند. ماده‌ی ۱۰ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر (۱۹۴۶)، بند (۱) ماده‌ی ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)، بند (۱) ماده‌ی ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (۱۹۵۰)، بند (۱) ماده‌ی ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (۱۹۶۹)، بند (۱) ماده‌ی ۷ منشور

۱. برای اطلاع بیشتر از چالش‌های رسیدگی اتهامی در مرحله‌ی دادرسی، نک: افراسیابی، ۱۴۰۱: ۲۰ و بعد.



آفریقایی حقوق و ملت‌ها (۱۹۸۶) و بند (۷) ماده‌ی ۶۴ اساسنامه‌ی دیوان کیفری بین‌المللی (۱۹۹۸) بر رسیدگی منصفانه و علنی در مهلت زمانی معقول تأکید کرده‌اند و این حق بعنوان یک حق اساسی و جهانی شده است. علنی بودن دادرسی، نظارت مردم بر فرآیندها را افزایش می‌دهد و سبب می‌شود که قضات در عمل از رفتارهای خودسرانه و سلیقه‌ای اجتناب ورزند و در اتخاذ تصمیمات و آراء قضایی دقت بیشتری داشته و کیفیت محاکمه را ارتقاء بخشند. کمیته‌ی حقوق بشر اروپایی، حتی در محاکمه‌ی متهمان جرایم تروریستی<sup>۱</sup> بر حق علنی بودن تصریح نموده است (نک: رضوی فرد و قربانزاده: ۱۳۹۵: ۱۶۵). شفافیت و علنی بودن از مظاهر دموکراسی و حقوق کیفری مردم‌سالار است و به تحقق یک دادرسی منصفانه و حمایت از دادخواهان مدد می‌رساند. چنانچه محاکمات کیفری دور از چشم افکار عمومی و به صورت محرمانه و سری یا با حضور قضات بی‌چهره برگزار شود، در عمل با مقاومت و عدم پذیرش افکار عمومی مواجه خواهد شد. پنهان‌کاری و جلوگیری از گردش آزاد اطلاعات و انتشار آن، موجبات نگرانی و ترس از شکنجه و بی‌اعتمادی را فراهم می‌کند. بی‌گمان، «رعایت تشریفات دادرسی منصفانه، به معنای ارفاق به متهم نیست، بلکه به این معنا است که جامعه به حدی از عقلانیت، انصاف و عدالت رسیده که در برخورد با متهم، انسانیت او را فراموش نکند» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۶: ۹).

با این حال محدودیت‌هایی برای علنی بودن مطرح شده که مبنای آن عمدتاً حمایت از شهود و قربانیان، حفاظت از امنیت، اخلاق عمومی و اسناد محرمانه است. بند (۱) ماده‌ی ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (۱۹۶۰) در این رابطه تصریح می‌کند: «... مطبوعات و عموم مردم ممکن است به دلایل اخلاقی، نظم عمومی یا امنیت ملی در یک جامعه مردم‌سالار، در مواردی که منافع جوانان یا حفاظت از زندگی خصوصی طرفین دعوا ایجاب کند، یا به عقیده‌ی دادگاه در اوضاع و احوالی خاص، تا حدی که کاملاً ضروری باشد و علنی بودن

---

۱. کمیته‌ی حقوق بشر سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۶ با انتقاد از دولت پرو برای استفاده از سیستم قضات بی‌چهره در شماری از دادگاه‌های کیفری بر حق بر دادرسی علنی، حتی در محاکمه‌ی متهمان جرایم تروریستی تأکید می‌نماید. نک:

مضر به مصالح عدالت است، از شرکت در تمام یا بخشی از جلسات محاکمه منع شوند». این مقررات بیش یا کم در اسناد بین‌المللی دیده می‌شود، هر چند نگرش جهانی، تحدید بیشتر محدودیت‌ها است.<sup>۱</sup>

در قوانین کیفری ایران، افزون بر اینکه مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی به تصریح ماده‌ی ۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲)، به صورت محرمانه اداره می‌شود، در مرحله‌ی دادگاه نیز چنانچه جرم قابل گذشت باشد و طرفین یا شاکی، درخواست جلسه‌ی غیرعلنی نمایند یا موضوع از مصادیق «امور خانوادگی و جرایم منافی عفت یا خلاف اخلاق حسنه» محسوب گردد یا «علنی بودن، مخل امنیت عمومی یا احساسات مذهبی یا قومی» باشد، به استناد ماده‌ی ۳۵۲ قانون مذکور، رسیدگی غیرعلنی است. واژگان بکاررفته در این ماده و نبود ضابطه‌ی دقیق برای تشخیص «اخلاق حسنه یا مخل بودن امنیت عمومی یا احساسات مذهبی یا قومی» در عمل سبب شده که دادگاه‌ها همه‌ی جرایم علیه امنیت یا جرایم مرتبط با مقدسات را بدون توجه به شدت یا ضعف آنها به صورت غیرعلنی و بعضاً سریع و در وقت فوق‌العاده رسیدگی نمایند. همچنین، با توجه به عدم تمایز روشن میان جرایم سیاسی و مطبوعاتی با جرم‌های علیه امنیت و نیز تقلیل جرم‌های سیاسی در مصادیق توهین و افترا و نشر اکاذیب در قانون جرم سیاسی (۱۳۹۵)، اغلب متهمان سیاسی و مطبوعاتی در چارچوب جرایم امنیتی و دور از نظارت افکار عمومی محاکمه می‌شوند. وانگهی، در جرایم علیه امنیت، به موجب ماده‌ی ۳۷۸ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲)، ابلاغ دادنامه حضوری بوده و ذینفع تنها می‌تواند از مفاد کامل رأی اطلاع یافته و از آن استنساخ نماید. بدین سان، در جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی، نه تنها تحقیقات و محاکمه به صورت غیرعلنی است، هیچ دادنامه‌ی رسمی در اختیار طرفین یا وکلای آنها قرار نمی‌گیرد. اولویت بخشیدن به امنیت ملی و حفظ نظام به هر قیمتی، حقوق اشخاص را در معرض خطر قرار می‌دهد و مغایر با مقررات بین‌المللی است که حتی به‌رغم تصریح به غیرعلنی بودن محاکمات در شماری از جرایم، بر انتشار علنی

---

۱. تهدیدهای تروریستی در سال‌های اخیر، موجب شکل‌گیری این باور شد که با افزایش پنهان‌کاری دولت و توسعه‌ی اختیارات ارگان‌های اجرای قانون و همچنین محرمانه بودن برخی اطلاعات، کشورها امنیت بیشتری خواهند داشت (McLachlin, 2014: 17).

دادنامه یا ابلاغ آن تصریح نموده اند (نیکویی، ۱۳۸۵: ۲۳۷).<sup>۱</sup> این محدودیت‌ها در حالی است که به موجب فراز اخیر اصل نهم قانون اساسی: «... هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را، هرچند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند». بنابراین، غیرعلنی کردن محاکمه برای حمایت از امنیت ملی یا جلوگیری از انتشار اسناد یا اطلاعات محرمانه یا حفظ حریم خصوصی اشخاص، ممکن است توجیه قابل قبولی داشته باشد، اما پنهان کردن حکم صادره و ممانعت از دسترسی طرفین دعوا به آن، توجیه نداشته و بیانگر این گزاره است که حاکمیت از ترس قضاوت افکار عمومی، حاضر نیست که مسئولیت تعقیب و محاکمه‌ی کیفری را بپذیرد و نسبت به پیامدهای آن پاسخگو باشد.

#### نتیجه

اجرای عدالت قضایی نسبت به بزهکاران در گرو رعایت اصول، قواعد و استفاده از سازکارهایی است که با عنوان «آیین دادرسی کیفری» نام گذاری می‌شوند و تخطی از آنها، مشروعیت مجازات را به چالش می‌کشد. دادرسی کیفری عرصه‌ی بسیار حسّاس و ظریفی است که به دلیل ارتباط تنگاتنگش با قدرت سیاسی (حاکمیت)، مقررات آن همواره در معرض داوری و ارزیابی است. می‌توان این مقررات را به گونه‌ای سامان داد که در نهایت به سود ایدئولوژی رسمی تمام گردد یا آنکه مقررات را به صورتی تدوین نمود که حقوق اشخاص را در فرآیند دادرسی کیفری به نحو مطلوب تأمین نماید. با توجه به ایدئولوژی رسمی و نوع نگاهی که سیاست‌گذاران به حکمرانی و حقوق شهروندان دارند، قواعد آیین دادرسی کیفری صورت‌بندی می‌شوند. بی‌گمان، در شرایط پایدار، خاستگاه شکل‌گیری قوانین چندان مورد اعتنا و توجه نیست، اما در مواردی که امنیت سیاسی از رهگذر اعتراض‌ها، خیزش‌ها و بحران‌های سیاسی و اجتماعی تهدید می‌شود، مشکلات آشکار

---

۱. به موجب فراز اخیر بند (۱) ماده‌ی ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶): «... لیکن حکم صادر در امور کیفری یا مدنی علنی خواهد بود مگر آنکه مصلحت صغار طور دیگری اقتضا نماید یا دادرسی مربوط به اختلافات زناشویی یا ولایت اطفال باشد».

می‌شود. با اضطرابی شدن شرایط کشور، قواعد آیین دادرسی کیفری در نظام‌های اقتدارگرا و بویژه اقتدارگرای فراگیر، فرومی‌پاشد و بخشی مهمی از فرآیندها در چارچوب امنیت‌گرایی و به بهانه‌ی حمایت از نظام سیاسی، تعطیل می‌شوند؛ حال آنکه در یک نظام مبتنی بر دموکراسی پایدار، بحرانی شدن شرایط کشور یا اعتراض به سیاست‌ها موجب اتخاذ سیاست‌های خارج از روال معمول آیین دادرسی کیفری نمی‌شود و سازکار رسیدگی به جرم بدون تأثیرپذیری از شرایط، فعالیت خود را دنبال می‌کند.

ایران کشوری است که به دلیل پاره‌ای از مشکلات سیاسی و فرهنگی و گاه اقتصادی، در معرض بحران‌های اجتماعی قرار می‌گیرد که بعضاً به صورت آشوب‌های خیابانی فراگیر ظاهر می‌شود. قطع نظر از منشأ و عوامل شکل‌گیری این آشوب‌ها، حکومت برای برقراری امنیت و نظم، ناگزیر متوسل به احضار و بازداشت اشخاص (تهدیدکنندگان امنیت) می‌شود و بدین‌سان، با افزایش ناگهانی دعاوی کیفری و شمار بازداشت‌شده‌ها، رسیدگی‌ها در شرایط اضطرابی و فوریت مدار قرار می‌گیرند، زیرا شیوه‌ی معمول و متعارف رسیدگی، پاسخ‌گوی حجم دعاوی نیست و ضروری است برای برقراری نظم و درس عبرت دادن به متهمان و نیز کاستن از تراکم پرونده‌ها، فرآیندهای رسمی تعلیق شوند. در چنین شرایطی، اصول راهبردی و حقوق دفاعی متهمان نادیده گرفته و حفظ «امنیت»، بعنوان اولویت اصلی به شدت ترویج می‌شود. برخی از این مشکلات، ریشه در جرم‌انگاری افراطی و فاصله‌گیری هنجارهای رسمی با ارزش‌های موردنظر شهروندان است که به صورت نافرمانی و مقاومت‌های اجتماعی ظاهر می‌شوند.

تحدید حق متهم در انتخاب وکیل موردنظر خویش در جرایم علیه امنیت و جلوگیری از اطلاع افکار عمومی از روند رسیدگی و برگزاری غیرعلنی محاکمات در دادگاه‌های ویژه و بخشنامه‌مدار و جلوگیری از ابلاغ دادنامه به متهم، جلوه‌هایی از فروپاشی آیین دادرسی کیفری منصفانه محسوب می‌شوند که در قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) منعکس شده‌اند. قانون‌گذار به‌رغم تأکید بر اصول راهبردی در مواد نخستین قانون مذکور، در مواد دیگری، از اصول قبلی عدول کرده و زمینه‌ی قانونی تعدی به آنها را در برخی جرایم فراهم ساخته است. حذف این قواعد تهدیدکننده‌ی حقوق اساسی، تعدیل جرم‌انگاری و جرم‌زدایی

از رفتارهایی که با ارزش‌های شهروندان یا بخش قابل‌توجهی از آنها مغایرت دارد، آینده‌پژوهی و پیش‌بینی آینده با اصلاح سیاست‌های عمومی، اجتناب از اقدامات کیفری تنش‌آفرین و نجات دستگاه عدالت کیفری از استغراق کیفری و مهم‌تر از همه، توجه به مقوله‌ی «تغییر نسل» و شکاف ایدئولوژی، می‌تواند برخی از راهکارها برای جلوگیری از فروپاشی آیین دادرسی کیفری منصفانه باشد. برپایی دادرسی منصفانه در شرایطی که جامعه در ثبات و آرامش است، هنر محسوب نمی‌شود و هنر آن است که حاکمیت‌ها در مواقع بحران، به اصول دادرسی منصفانه وفادار باشند. کارنامه‌ی حقوق بشری رژیم‌های سیاسی امروزه، با توجه به پایداری آنها به قواعد آیین دادرسی کیفری منصفانه در مواجهه با مخالفان و معترضان به هنگام بحران‌های سیاسی و اجتماعی ارزیابی می‌شود.

## منابع

### الف. فارسی

- آقایی‌نیا، حسین و رستمی، هادی (۱۴۰۱). حقوق کیفری اختصاصی (۲)؛ جرایم علیه مصالح عمومی کشور، چاپ دوم، تهران، نشر میزان.
- آلبرشت، هانس یورگ (۱۳۹۵). ازدحام در زندان‌ها، ترجمه حسین غلامی، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
- استنلی، جیسن (۱۳۹۸). سازوکار فاشیسم؛ سیاست ما و آنها، ترجمه‌ی بابک تختی، چاپ اول، تهران، انتشارات نگاه.
- اسکینر، استیفن (۱۳۹۹). «مقدمه: فاشیسم و حقوق کیفری؛ یکی از بارزترین ویژگی‌های حاکمیت»، در: اسکینر، استیفن، فاشیسم و حقوق کیفری، تاریخ، مبانی نظری و استمرار، مجموعه مقالات، ترجمه‌ی سید باسم موالی‌زاده، چاپ اول، تهران، انتشارات شهر دانش.
- افراسیابی، علی (۱۴۰۱). «چالش‌های رسیدگی اتهامی در نظام دادرسی ایتالیا و ایران»، فصلنامه‌ی علمی تخصصی دانشنامه‌های حقوقی، دوره‌ی پنجم، شماره‌ی ۱۷.
- باباخانی، عرفان و رستمی، هادی (۱۴۰۱). «رسیدگی افتراقی به جرایم اقتصادی در حقوق ایران و فرانسه»، فصلنامه‌ی پژوهش حقوق تطبیقی اسلام و غرب، سال پنجم، شماره‌ی ۱.
- پیکا، ژرژ (۱۴۰۰). جرم‌شناسی، ترجمه‌ی علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ ششم، تهران، نشر میزان.
- دلماس-مارتی، می‌ری (۱۳۹۸). نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه‌ی علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ چهارم، تهران، میزان.
- رستمی، هادی (۱۴۰۲). آیین دادرسی کیفری، چاپ سوم، تهران، نشر میزان.

فروپاشی آیین دادرسی کیفری منصفانه در رویارویی با بحران‌های سیاسی و اجتماعی؛ رستمی | ۹۷ |

رستمی، هادی (۱۴۰۰). «سیاست جنایی بخشنامه‌مدار در فرآیند دادرسی کیفری»، مجلس و راهبرد، سال بیست‌وهشتم، شماره‌ی ۱۰۸.

رضوی‌فرد، بهزاد و قربانزاده، حسین، (۱۳۹۵). «حق بر علنی بودن دادرسی به عنوان یکی از حقوق دفاعی متهم در رویه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی»، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره‌ی هفتم، شماره‌ی ۱.

سلطانفر، غلامرضا، شامیاتی، هوشنگ و آزمایش، علی (۱۳۹۶)، «تأثیر ایدئولوژی‌ها بر قبض و بسط قلمرو حقوق کیفری»، فصلنامه‌ی علمی تحقیقات حقوقی بین‌المللی، سال دهم، شماره‌ی ۳۷.

صانعی، پرویز (۱۳۸۱). حقوق و اجتماع، چاپ اول. تهران، انتشارات طرح نو. صدر توحیدخانه، محمد (۱۳۸۸). «حقوق در چنبره‌ی «دشمن»، از سیاست آمریکایی «جنگ با ترور» تا نظریه‌ی آلمانی «حقوق کیفری دشمنان»»، در: نجفی ابرندآبادی، علی حسین «زیرنظر»، تازه‌های علوم جنایی، مجموعه مقاله‌ها، چاپ اول، تهران، نشر میزان.

طاعتی، مهکامه، کشاورز ترک، عین‌الله، قاسمی، حاکم و درویشی سه‌تالانی، فرهاد (۱۴۰۰). «تأثیرات آینده‌نگاری در تقویت سیاست‌گذاری و حکمرانی پیش‌نگر با تأکید بر چشم‌اندازهای جهانی»، فصلنامه‌ی سیاست‌نامه‌ی علم و فناوری، دوره‌ی یازدهم، شماره‌ی ۱.

فتحی، محمد جواد و دادیار، هادی (۱۳۹۲). «جایگاه دادستان در سیاست جنایی نوین و الزامات دادرسی عادلانه»، نشریه‌ی علمی و پژوهشی فقه و حقوق اسلامی، سال چهارم، شماره‌ی ۷.

کاستلز، امانوئل (۱۳۸۳). «جامعه‌ی شبکه‌ای و هویت جدید»، «مصاحبه»، مجلس و پژوهش، سال یازدهم، شماره‌ی ۴۳.

کاستلز، امانوئل (۱۳۸۹). عصر اطلاعات؛ اقتصاد، جامعه و فرهنگ، جلد دوم، ترجمه‌ی احمد علیقلیان، افشین خاکباز و حسن چاوشیان، چاپ ششم، تهران، انتشارات طرح نو.

گسن، رمون (۱۳۹۹). *جرم‌شناسی خیزش‌های اجتماعی (درباره‌ی خیزش‌های اجتماعی خشونت‌آمیز حومه‌های حساس شهرهای فرانسه، برگردان و پژوهش: شهرام ابراهیمی، چاپ اول، تهران، نشر میزان.*

گسن، رمون (۱۳۷۱). «بحران سیاست‌های جنایی کشورهای غربی»، ترجمه‌ی علی حسین نجفی ابرندآبادی، *مجله‌ی تحقیقات حقوقی*، شماره‌ی ۱۰، بهار و تابستان ۱۳۷۱. لازرژ، کریستین (۱۴۰۰). *درآمدی بر سیاست جنایی*، ترجمه‌ی علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دهم، تهران، نشر میزان.

لاکچه، لویجی (۱۳۹۹). «سایه‌ی قانون: دادگاه ویژه صیانت از دولت میان عدالت و سیاست در دوره‌ی فاشیستی ایتالیا»، در: اسکینر، استیفن، فاشیسم و حقوق کیفری، تاریخ، مبانی نظری و استمرار، ترجمه‌ی سید باسم موالی‌زاده، چاپ اول، تهران، انتشارات شهر دانش.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۷۷). «بزهکاری، احساس ناامنی و کنترل (بررسی کمیته‌ی فرانسوی مطالعات پیرامون خشونت و بزهکاری و توصیه‌های آن در زمینه‌ی سیاست جنایی)»، *مجله‌ی حقوقی دادگستری*، دوره‌ی ۶۲، شماره‌ی ۲۲.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۶). «به دنبال عدالت کیفری کرامت‌مدار»، «گفت‌وگو»، ویژه‌نامه‌ی همایش قوه‌ی قضائیه و حقوق شهروندی، قابل دسترس در: <http://lawtest.ir>

نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۲). *تقریرات درس جرم‌شناسی (از جرم‌شناسی انتقادی تا جرم‌شناسی امنیتی)*، دوره‌ی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده‌ی حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهیه و تنظیم: سکینه خانعلی‌پور واجارگاه و مهدی قربانی، نیمسال ۱۳۹۲-۱۳۹۱، قابل دسترس در: <http://lawtest.ir>

نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۴۰۱). «حقوق کیفری آرایبی سیاست جنایی در پرتو راهبردهای سیاست عمومی»، در: مهرا، نسرین و نیازپور، امیرحسن «به‌کوشش»، *حقوق کیفری پویا (مجموعه مقاله‌ها در پاسداشت استاد دکتر محمد علی اردبیلی)*، تهران، نشر میزان.



فروپاشی آیین دادرسی کیفری منصفانه در رویارویی با بحران‌های سیاسی و اجتماعی؛ رستمی | ۹۹ |

نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۵). «جدال قدرت-امنیت و حقوق-آزادی‌های فردی»، در: نیازپور، امیرحسین، «به کوشش»، بنیان‌ها، چالش‌ها و راهکارها، مجموعه مقالات همایش قانون آیین دادرسی کیفری، تهران، نشر مؤلف. قابل دسترس در: <http://lawtest.ir>

نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۴). *تقریرات درس جامعه‌شناسی جنایی*، دوره‌ی کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده‌ی حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهیه و تنظیم: مهدی صبوری پور، نیرسمال دوم ۱۳۸۴-۱۳۸۳، قابل دسترس در: <http://lawtest.ir>

نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۱). «درباره‌ی امنیت‌شناسی (از حق بر امنیت تا حق بر تأمین)»، دیباچه، در: رضوانی، سودابه (۱۳۹۱)، *مدیریت انسان‌مدار ریسک جرم*، چاپ اول، تهران، نشر میزان.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۶). «گفتمان سیاست جنایی قانون‌گذار در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲»، در: الفت، نعمت‌الله «به کوشش»، *حج اندیشه؛ هم‌افزایی فقه و حقوق در توسعه عدالت و تعالی انسانی*، مجموعه مقالات یادنامه‌ی استاد شهید دکتر حاج ناصر قربان‌نیا، چاپ دوم، قم، انتشارات دانشگاه مفید.

نیکویی، سمیه (۱۳۸۵). «الزامات علنی بودن دادرسی کیفری در پرتو دادرسی عادلانه»، *مجله‌ی حقوقی دادگستری*، شماره‌ی ۵۶ و ۵۷.

هوساک، داگلاس (۱۳۹۲). *جرم‌نگاری افراطی*، ترجمه‌ی محمد تقی نوری، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.

هیوود، اندرو (۱۴۰۱). *سیاست*، ترجمه‌ی عبدالرحمن عالم، چاپ دوازدهم، تهران، نشر نی.

هیوود، اندرو (۱۳۹۸). *مقدمه‌ی نظریه‌ی سیاسی*، ترجمه‌ی عبدالرحمن عالم، چاپ چهارم، تهران، نشر قومس.

ب. انگلیسی

Dubber, Markus (2004), "The Criminal Trial and the Legitimation of Punishment", *THE TRIAL ON TRIAL*, R.A. Duff et al. eds., Available at: SSRN: <https://ssrn.com>.

- Husak, Douglas (2008), *Over Criminalization, The Limits of the Criminal Law*, Oxford University Press.
- HRC, Comments on Peru, U.N. Doc. CCPR/C/79/Add.67 (1996), July 25, 1996, Para. 25.
- McLachlin, Beverley (2014). *Openness and the Rule of Law*, London: At the Annual International Rule of Law Lecture.

### **Translated References Into English**

- Afrasiabi, Ali, "The challenges of Adversarial Model in the judicial system of Italy and Iran", *Quarterly of Legal Encyclopedias*, 5th, 17, 2023. [In Persian]
- Aghaie Nia, Hossein; Rostami, Hadi, *Criminal law, Crimes against Public Order*, Third Ed, Tehran: Mizan publication, 2021. [In Persian]
- Albrecht, Hans-Jorg, *Prison Overcrowding*, Translated by Hossein Gholami, First Ed, Tehran: Mizan publication, 2016. [In Persian]
- Babakhani, Erfan; Rostami, Hadi, "Differential Investigation of Economic crimes in Iranian and French Law", *Quarterly of Comparative Studies on Islamic and Western Law*, 9th, 1, 2022. [In Persian]
- Castells, Manuel, "Network Society and New Identity", interview, *The Journal of Majlis and Research*, 11th, 43, 2004. [In Persian]
- Castells, Manuel, *The Rise of the Network Society (The Power of Identity)*, The Second volume, Translated by Ahmad Aliqlian, Afshin Khakbaz and Hassan Chavoshian, Sixth Ed, Tehran: Tarhe No Publications, 2010. [In Persian]
- Delmas- Marty, Mireille, *Large Systems of Criminal Politics*, Translated by Ali Hossein Najafi Abrandabadi, Fourth Ed, Tehran: Mizan publications, 2019. [In Persian]
- Fathi , Mohammad Javad ; Dadyar, Hadi, "The Position of Prosecutor in Modern Criminal Policy and Fair Trial Requirements", *The Journal of Fiqh and Islamic Jurisprudenc*, Fourth Ed, 7, 2013. [In Persian]
- Gassin, Raymond, *Criminology of Social Upheavals (about violent social upheavals in the sensitive suburbs of French cities)*, Translated by Shahram Ebrahimi, First Ed, Tehran: Mizan publication, 2020. [In Persian]
- Gassin, Raymond, "The Crisis of Criminal Policies in Western Countries", Translated by Ali Hossein Najafi Abrandabadi, *Legal Research Quarterly*, 10, 1992. [In Persian]
- Heywood, Andrew, *Politics*, Translated by Abdal-Rahman Alem, Twelfth Ed, Tehran: Ney publication, 2022. [In Persian]
- Heywood, Andrew, *Political Theory: an Introduction*, Translated by Abdal-Rahman Alem, fourth Ed, Tehran: Ghoomes publication, 2019. [In Persian]

- Lacche, Luigi, "The Shadow of the Law: The Special Court of Protection of the Government between Justice and Politics in the Fascist Period of Italy", in: Skinner, Stephen, Fascism and Criminal law, History, Theory, Continuity, Translated by Seyyed Basem Mavalizadeh, First Ed, Tehran: The SD Institute publication, 2020. [In Persian]
- Lazerges, Christine, Introduction to Criminal Policy, Translated by Ali Hossein Najafi Abrandabadi, 9nd Ed, Tehran: Mizan publications, 2021. [In Persian]
- Najafi Abrandabadi, Ali Hossein, "About Security Studies (From the Right to Security to the Right to Assurance)", preface in: Rezvani, Soodabeh, Human- Oriented Crime Risk Management, First Ed, Tehran: Mizan publication, 2012. [In Persian]
- Najafi Abrandabadi, Ali Hossein, "Conflict of Power- Security and Rights- Individual Liberties", in: Niazipour, A, Foundations, Challenges and Solutions, articles of the conference on the Criminal Procedure Code, Tehran: author's publication, 2016: Available at: <http://lawtest.ir>. [In Persian]
- Najafi Abrandabadi, Ali Hossein, "Delinquency, Feeling of Insecurity and Control (Investigation of the French Committee for Studies on Violence and Delinquency and its Recommendations in the Field of Criminal Policy)", The Judiciary Law Journal, 62th, 22, 1998. [In Persian]
- Najafi Abrandabadi, Ali Hossein, Lectures on Criminology (from Critical Criminology to Security Criminology), Faculty of Law, Shahid Beheshti University, prepared and edited by: Sakineh Khanalipour Vajargah and Mehdi Ghorbani, 2013, Available at: <http://lawtest.ir>. [In Persian]
- Najafi Abrandabadi, Ali Hossein, Lectures on Criminal Sociology, Master's course in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, prepared and edited by: Mehdi Sabooripour, 2005, available at: <http://lawtest.ir>. [In Persian]
- Najafi Abrandabadi, Ali Hossein, "Legislator's Criminal Policy Discourse in Criminal Procedure Code 2013", in: Elfat, N, Pilgrimage of thought; Synergy of jurisprudence and law in the development of justice and human excellence, a collection of essays in the memoirs of the master martyr Dr. Haj Nasser Ghorban Nia, Second Ed, Qom: Mofid University Press, 2017. [In Persian]
- Najafi Abrandabadi, Ali Hossein; "Seeking Dignified Criminal Justice", Dialogue", a pecial issue of the Judiciary and Civil Rights Conference, 2007, available at: <http://lawtest.ir>. [In Persian]
- Najafi Abrandabadi, Ali Hossein, Criminal law, The Design of Criminal Policy in the Light of Public Policy Strategies, in: Mehra, N. and

- Niazpour, A, Penal Law in Movement, Essays on honor Professor M.A. Ardebili, First Ed, Tehran: Mizan publication, 2022. [In Persian]
- Nikoyee, Somayye, "Publicity Requirements of Criminal Proceedings in the Light of Fair Trial, The Judiciary Law Journal, 56-57, 2006. [In Persian]
- Picca, Georges, Criminology, Translated by Ali Hossein Najafi Abrandabadi, 6nd Ed, Tehran: Mizan publications, 2023. [In Persian]
- Razavifard, Behzad; Ghorbanzadeh, Hossein, "The Right to Public Proceeding as One of the Defensive Rights of the Accused in International Criminal Tribunals Procedure", Comparative Law Review Quarterly, 7th, 1, 2016. [In Persian]
- Rostami, Hadi, "Criminal Policy Based on Directives in Criminal Proceedings", Majlis and Strategy Quarterly, 28th, 108, 2021. [In Persian]
- Rostami, Hadi, Criminal Procedure, Third Ed, Tehran: Mizan publication, 2023. [In Persian]
- Sadr Touhid-Khaneh, Mohammad, "Laws in the Circle of "the Enemy", from the American Policy of "War on Terror" to the German Theory of "Criminal Rights of Enemies"", in: Najafi Abrandabadi, Ali Hossein, Essays on Criminal Sciences, First Ed, Tehran: Mizan publication, 2009. [In Persian]
- Saney, Parviz, Law and Society, First Ed, Tehran: Tarh-e No publications, 2003. [In Persian]
- Skinner, Stephen, Fascism and Criminal law, History, Theory, Continuity, Translated by Seyyed Basem Mavalizadeh, First Ed, Tehran: The SD Institute publication, 2020. [In Persian]
- Soltanfar, Gholamreza; Shambyati, Houshang ; Azmayesh, Ali, "The Influence of Ideologies on the Limitation and Expansion of the Scope of Criminal Law, Scientific Quarterly of International Legal Research, 10th, 37, 2016. [In Persian]
- Stanley, Jason, How Fascism Works: The Politics of Us and Them, Translated by Babak Takhti, First Ed, Tehran: Negah publication, 2019. [In Persian]
- Skinner, Stephen, "Introduction: Fascism and Criminal law; One of the most obvious features of governance", in: Skinner, Stephen, Fascism and Criminal law, History, Theory, Continuity, Translated by Seyyed Basem Mavalizadeh, First Ed, Tehran: The SD Institute publication, 2020. [In Persian]
- Taati, Mahakameh; Keshavarz Tork, Einollah; Ghasemi, Hakem; Darvishi Setallani, Farhad, Impact of Foresight on Policy Making and Anticipatory Governance with a Global Perspective, The Journal of Science and Technology Policy Letters (JSTPL), 11th, 34, 2021. [In Persian]

فروپاشی آیین دادرسی کیفری منصفانه در رویارویی با بحران‌های سیاسی و اجتماعی؛ رستمی | ۱۰۳ |

**استناد به این مقاله:** رستمی، هادی. (۱۴۰۲). فروپاشی آیین دادرسی کیفری منصفانه در رویارویی با بحران‌های سیاسی و اجتماعی، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۱۱(۴۳)، ۶۷-۱۰۳. doi: 10.22054/jclr.2023.73744.2585



**Criminal Law Research** is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.